



نقشه
پنج
ساله

۲۰۱۱-۲۰۱۶

پیام های
بیت العدل
اعظم الهی



نقشه پنج ساله

۲۰۱۱-۲۰۱۶

پیام های بیت العدل اعظم الهی

با سیستمی که به این ترتیب برای پرورش منابع انسانی ایجاد شده، . . .
جامعه اسم اعظم وسیله ای با امکانات نامحدود به دست آورده است.
در تحت شرایطی بسیار متنوع و عملاً در همه محدوده های جغرافیایی،
چند نفر در مقام هسته مرکزی یک گروه در حال تزايد می توانند جنبشی
مردمی به سوی هدف یک نظم جهانی به وجود آورند.

— بیت العدل اعظم



Palabra Publications

فهرست

۱. ترجمه‌ای از
پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان
رضوان ۲۰۱۰ میلادی (۱۶۷ بدیع)
(از: مرکز جهانی بهائی) ۱
۲. ترجمه‌ای از
پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان
(از: مرکز جهانی بهائی) ۲۵
۳. ترجمه‌ای از
پیام بیت العدل اعظم الهی
خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای
(از: مرکز جهانی بهائی) ۲۹
۴. ترجمه‌ای از
پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان
(از: مرکز جهانی بهائی) ۶۳
۵. ۱ شهرالبهاء ۱۶۸
۱ فروردین ۱۳۹۰
ستاینندگان اسم اعظم در مهد امرالله ملاحظه فرمایند
۶۷
۶. ترجمه‌ای از
پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان
رضوان ۲۰۱۱ میلادی (۱۶۸ بدیع)
(از: مرکز جهانی بهائی) ۷۱



First Edition June 2011.

Palabra Publications
7369 Westport Place
West Palm Beach, Florida 33413
U.S.A.
1-561-697-9823
1-561-697-9815 (fax)
books@palabrapublications.info
www.palabrapublications.com

پیش‌گفتار

عالم بهائی مجدداً در آستانه مرحله جدیدی از بسط نقشه ملکوتی قرار دارد. بیت العدل اعظم الهی بار دیگر افق جدیدی را در برابر دیدگانمان گشوده‌اند. دستخط‌های مندرج در این مجلد، نمایی از پیشرفت امرالله را فراهم می‌آورد، مسیر پیشرفت هر مجموعه جغرافیایی را روشن می‌نماید، توضیح می‌دهد که چگونه عناصر یک برنامه رشد را می‌توان تقویت نمود، وسعت یادگیری ما را توصیف می‌کند، فرصت‌های موجود برای مشارکت در اجتماع را مطرح می‌سازد، شرایطی را که حضرت ولی عزیز امرالله برای موفقیت هر مجتهد تبلیغی بیان فرموده‌اند متذکر می‌گردد، نیاز به ازدیاد توانمندی تشکیلاتی در تمام سطوح را گوشزد می‌نماید، برهماهنگی بین سه شرکت‌کننده نقشه را تأکید می‌نهد، نقشی را که این فعالیت‌ها در کمک به بنای تمدنی جدید بر عهده دارند یادآور می‌شود و مثل اعلای حضرت مولی الوری طی اسفار مبارک به مصر و به ممالک غرب را در برابر چشمان ما قرار می‌دهد.

نقشه پنج‌ساله مربوط به سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ میلادی چهارمین نقشه از یک سلسله نقشه‌هایی است که ما را به پایان اولین قرن عصر تکوین خواهند رساند. این نقشه‌ها تماماً یک هدف یعنی پیشبرد فرایند دخول افواج را دنبال می‌کنند. پیام‌های بیت العدل اعظم توضیح می‌دهند که در مسیر تحقق این هدف چه مسافتی را طی کرده‌ایم و به روشنی بیان می‌نمایند که کارهای باقی‌مانده‌ای که باید در ظرف پنج سال آینده انجام دهیم چیست.

حضرت عبدالبهاء در سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ میلادی الواح نقشه ملکوتی را نازل فرمودند و در آن احباً را دعوت نمودند که انوار امر حضرت

بهاء الله را در سراسر کره زمین منتشر نمایند. هیکل مبارک می فرماید: "حال وقت آنست که شما ردای تعلق باین عالم فانی را خلع کنید و از عالم بشریت بکلی منسلخ گردید ملائکه آسمانی شوید و باین اقلیم سفر نمائید." تمنای مشتاقانه حضرتشان آن بود که: "ای کاش از برای من میسر میشد که پای پیاده ولو بکمال فقر بآنصفحات مسافرت مینمودم و نعره زنان در شهرها و دهات و کوه و بیابان و دریا یا بهاء الاهی میگفتم و ترویج تعالیم الهی مینمودم ولی حال از برای من میسر نه لهذا در حسرتی عظیم هستم بلکه انشاء الله شماها موفق گردید"، و اضافه فرمودند: "از الطاف حضرت خفی الألفاف امیدوارم که یاران الهی در چنین زمانی سبب نورانیت قلوب انسانی گردند و نفعه حیاتی بارواح بدمند که نتایج حمیده اش الی الأبد سبب شرف و منقبت عالم انسانی گردد." حضرت ولی محبوب امر الله در دوران قیادت خویش توانمندی عالم بهائی را چنان پرورش دادند که بتواند تمهیدات نقشه ملکوتی حضرت عبدالهء را بطور سیستماتیک به اجرا درآورد. آن حضرت در ابتدا بهائیان را تعلیم دادند تا تشکیلاتی را که می بایست وسیله اقدام جمعی برای اجرای آن منشور الهی گردد بنا نمایند. احباً را با صبر و حوصله یاری فرمودند تا در تبلیغ امر الله کارآتر شوند و نقشه های ملی برای انتشار و توسعه امر الله ترتیب دهند. هیکل مبارک در آخرین و متعالی ترین مرحله کار خویش پیروان اسم اعظم را در اجرای یک نقشه عمومی جهانی متحد فرمودند که منتج به افتتاح بیش از یک صد کشور و اقلیم، تأسیس بیش از چهل محفل روحانی ملی و صدها محفل روحانی محلی و آغاز فرایند دخول افواج گردید. شعله امر الله در اکثر نقاط عالم مشتعل شده بود ولی امر الهی هنوز به انتشاری وسیع تر، افزایشی عظیم تر در تعداد مؤمنین، توانمندی و پیچیدگی بیشتری در حیات جامعه، شالوده ای محکم تر در امور اداری و انتظام بخشی فزون تری در مجهوداتش نیاز داشت.

بیت العدل اعظم الهی بر پایه مستحکمی که به دست توانای حضرت ولی امر الله نهاده شده بود اقدامات جامعه بهائی را گسترش بخشیده مسیر پیشرفت ما را روشن نموده اند. با فتح روحانی تمام کشورها، میدان جدیدی شامل پانزده هزار محدوده جغرافیایی مشخص شده است. در طی این نقشه پنج هزار از این محدوده ها باید برنامه رشد خود را داشته باشند و هر یک تلاش خواهد کرد که تا حد امکان مرزهای یادگیری را به مرحله ای پیش برد که در آن صدها نفر از احبای خدمت نیازهای هزاران نفر را از طریق یک الگوی پویای حیات جامعه برای نیایش جمعی، آموزش کودکان و نوجوانان، حلقه های مطالعه و مهم تراز همه، تبلیغ امر الله، برآورده نمایند. محدوده های باقی مانده مطمئناً در نقشه های آینده فتح خواهد شد و قدرت جامعه سازی تعالیم حضرت بهاء الله بیش از پیش نمایان خواهد گشت. بیت العدل اعظم می فرماید که "جامعه براسستی زمام امور ترویج و تحکیم خود را به خوبی در دست دارد. اما تا یادگیری روش های تمشیت امور تعداد فزاینده ای از مردم در روستاها و شهرهای مختلف کره زمین و معرفی معیارهای نظم جهانی حضرت بهاء الله به جهانیان هنوز راه درازی در پیش است. رسیدن به این هدف وظیفه خطیری است که پیش گامان فرایند یادگیری باید آن را بپذیرند، فرایندی که پیشرفت آن در طی نقشه آینده ادامه خواهد یافت."

انتشارات پالابرا

آوریل ۲۰۱۱

ترجمه‌ای از
پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان
رضوان ۲۰۱۰ میلادی (۱۶۷ بدیع)
(از: مرکز جهانی بهائی)

پیروان حضرت بهاء‌الله در سراسر عالم ملاحظه فرمایند
دوستان عزیز و محبوب،

۱،۱ با قلبی سرشار از تحسین برای پیروان حضرت بهاء‌الله، در کمال مسرت اعلام می‌داریم که در این ایام فرخنده رضوان تعداد جدیدی از برنامه‌های فشرده رشد در هر یک از قارات عالم آغاز شده که رقم کل این برنامه‌ها را در سراسر جهان به بیش از ۱۵۰۰ می‌رساند و هدف نقشه پنج‌ساله را یک سال پیش از اختتام آن تحقق می‌بخشد. به شکرانه این موفقیت عظیم و این پیروزی شگفت‌انگیز سر تعظیم و سپاس به درگاه حضرت بی‌نیاز فرود می‌آوریم. سالکان طریق خدمت اعطای این فرصت یک‌ساله را فضل و موهبتی از محبوب عالمیان به جامعه پیروان خویش دانسته آن را ارج می‌نهند، فرصتی که در آن قادرند الگوی ترویج و تحکیم را که اکنون در همه جا تمکن یافته استحکام بخشند و برای اقداماتی که در نقشه جهانی بعدی به اجرای آن دعوت خواهند شد آماده گردند، نقشه‌ای که پنج سال امتداد خواهد داشت و پنجمین نقشه از سلسله مجهوداتی خواهد بود که هدف صریح آن پیشبرد فرایند دخول افواج است.

چون در این ایام خجسته به تأمل می‌پردازیم، لازم می‌دانیم یک نکته را روشن سازیم: حس عمیق مباحثات و سپاس این جمع چندان مرهون موفقیت‌های آماری شما نیست، اگرچه آن خود قابل توجه است. سپاس و امتنان این مشتاقان به سبب مجموعه‌ای از تغییرات و تحولاتی است که در سطح عمیق‌تر فرهنگ جامعه به وجود آمده است، تحولاتی که این موفقیت‌ها بر آن گواهی می‌دهد. مهم‌ترین این تحولات افزایش توان‌مندی احباً در صحبت و مذاکره با دیگران درباره امور روحانی و به آسانی سخن گفتن راجع به نفس مقدس حضرت بهاءالله و این ظهور اعظم است. احباً به خوبی دریافته‌اند که تبلیغ امرالله از جمله لوازم اولیة یک زندگی آراسته به رأفت و بخشندگی است.

در پیام‌های اخیر، مسرت خود را از مشاهده افزایش مستمر فعالیت‌های تبلیغی در سراسر جهان ابراز داشته‌ایم. ایفای این وظیفه اساسی روحانی از طرف افراد احباً از جمله خصوصیات ضروری حیات بهائی بوده و هست. تأسیس ۱۵۰۰ برنامه فشرده رشد به خوبی نشان می‌دهد که آحاد مؤمنین با شهامت و بصیرت فزاینده‌ای از حلقه اعضای فامیل و دوستان خود گام فراتر نهاده آماده‌اند تا ید قدرت الهی آنان را به سوی نفوس مستعد در هر محل که ساکن باشند هدایت نماید. حتی بر اساس یک تخمین بسیار محتاطانه، تعداد کسانی که هم‌اکنون در فعالیت‌های فشرده دوره‌ای شرکت می‌کنند تا بر اساس تفاهم و درک مشترک با کسانی که قبلاً آنها را بیگانه می‌شمردند پیوند دوستی ببندند به ده‌ها هزار نفر بالغ می‌شود.

احباً در مساعی خود برای معرفی ساده و واضح حقایق اساسی امرالله، از نمونه بارز و گویای کتاب ششم مؤسسه روحی بهره‌افزوده‌اند. هر جا که منطبق اصلی این طرز معرفی درک شود و از گرایش تبدیل آن به یک فرمول اجتناب گردد، استفاده از آن گفتگویی را آغاز می‌کند که خصوصیت متمیز آن حسن تفاهم و کیفیت روابط حاصله بین طرفین

است. مادام که این گفتگو از ملاقات اولیة فراتر رود و یک دوستی واقعی شکل گیرد، این نوع تبلیغ مستقیم می‌تواند عاملی راه‌گشا برای یک فرایند پایدار تقلیب روحانی باشد. این مسئله که تماس اولیة با این دوستان تازه‌یافته منجر به دعوت آنان به تسجیل و یا شرکت در یکی از فعالیت‌های جامعه بهائی شود، چندان مهم نیست. آنچه حائز اهمیت بیشتری می‌باشد این است که هر فرد احساس کند که هم‌کارش با جامعه بهائی در کمک به بهسازی اجتماع باگرمی مورد استقبال قرار می‌گیرد و از این طریق در مسیری از خدمت به بشریت گام می‌نهد که ممکن است در بدایت و یا در مراحل بعدی به تسجیل او بیانجامد.

اهمیت این تحول را نباید ناچیز انگاشت. در هر محدوده جغرافیایی، پس از آنکه الگوی عمل استحکام یافت، باید از طریق شبکه‌ای از هم‌کاران و آشنایان به گسترش آن پرداخت و در عین حال قوا را بر روی گروه‌های کوچک‌تر متمرکز نمود تا هر یک از آنها کانونی از فعالیت‌های فشرده گردد. در یک محدوده جغرافیایی شهری، حدود چنین کانون فعالیت‌های احیاناً بهتر از هر چیز مرزهای یک محله می‌باشد و در یک محدوده روستایی، یک دهکده فضای اجتماعی مناسبی برای این منظور خواهد بود. اشخاصی که در این شرایط به خدمت مشغولند، اعم از سکنه محل یا معلمینی از نقاط دیگر، برآستی باید فعالیت‌های خود را گامی در جهت جامعه‌سازی بدانند. اطلاق عناوینی چون دیدار "منزل به منزل" به مجهودات تبلیغی آنها، حتی اگر اولین تماس شامل دیدار ساکنان یک خانه بدون اطلاع قبلی باشد، فرایندی را که هدفش افزایش توان‌مندی مردم برای به عهده گرفتن مسئولیت پیشرفت روحانی، اجتماعی و عقلانی خود می‌باشد به نحو شایسته‌ای توصیف نمی‌نماید. فعالیت‌هایی که این فرایند را به پیش می‌برد و دوستان تازه به مشارکت در آن دعوت می‌شوند: جلساتی که خصلت نیایش را در جامعه تقویت می‌کند، کلاس‌هایی که قلوب و اذهان لطیف کودکان را پرورش می‌دهد،

گروه‌هایی که انرژی سرشار نوجوانان را جهت می‌بخشد، حلقه‌های مطالعه‌ای که به روی همه باز است و افرادی با پیشینه‌های گوناگون را قادر می‌سازد تا پا به پای یک‌دیگر به پیش روند و کاربرد تعالیم الهی را در حیات فردی و جمعی خود شناسایی نمایند — همه این فعالیت‌ها احياناً باید تا مدتی با مساعدت افرادی غیر از سکنه محل تداوم یابد. اما باید انتظار داشت که افزایش تعداد این فعالیت‌های اساسی به زودی توسط منابع انسانی بومی محله یا دهکده یعنی زنان و مردانی که مشتاق بهبود شرایط مادی و معنوی محیط اطراف خود هستند، تداوم پذیرد. بنا بر این به تدریج ترتیبی بدیع و موزون از حیات جامعه که متناسب با توانمندی تعداد فزاینده‌ای از افرادی متعهد به بینش حضرت بهاء‌الله در مورد یک نظم بدیع است، ظاهر می‌گردد.

در این بستر، آمادگی برای پذیرش پیام حضرت بهاء‌الله به صورت تمایل به مشارکت در فرایند جامعه‌سازی که با فعالیت‌های اساسی نقشه به حرکت درمی‌آید، جلوه‌گر می‌شود. در محدوده‌های جغرافیایی متعددی که در آن برنامه فشرده رشد اکنون در حال اجرا است، وظیفه احباً در سال آینده این است که با به کار بردن روش مستقیم معرفی مبانی امر مبارک، به تبلیغ در بین یک یا چند جمعیت مستعد بپردازند و نفوسی را بیابند که آرزومندند سستی و رخوتی را که اجتماع بر آنان تحمیل نموده از خود بزایند و با کار کردن در کنار یک‌دیگر در محله‌ها و دهکده‌های خود، یک فرایند تقلیب جمعی را آغاز نمایند. اگر احباً به تلاش خود برای آموختن راه و روش‌های جامعه‌سازی در محیط‌های کوچک به صورت مذکور ادامه دهند، اطمینان داریم که به هدف دیرینه مشارکت عمومی در امور امری به مراتب نزدیک‌تر خواهیم شد.

برای تحقق این هدف خطیر، احباً و مؤسساتی که به آنها خدمت می‌کنند باید مساعی خود را صرف تقویت فرایند مؤسسه آموزشی در محدوده

جغرافیایی نمایند و تعداد افرادی را که قادرند راهنمای حلقه‌های مطالعه شوند به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش دهند. زیرا باید توجه داشت، فرصتی که اکنون برای پرورش یک حیات پویا و هدف‌مند در محله یا دهکده در دسترس احباً قرار گرفته تنها محصول تحولات مهمی است که طی ده سال گذشته در آن جنبه از فرهنگ جامعه بهائی که مربوط به تزئید معلومات امری می‌باشد، رخ داده است.

۱،۸ هنگامی که در دسامبر سال ۱۹۹۵ احباً را به تأسیس مؤسسات آموزشی در سراسر جهان دعوت نمودیم، الگوی رایج در جامعه بهائی برای کمک به احباً برای کسب معارف امری اساساً دوره‌ها و کلاس‌هایی بود که به مدت‌های متفاوت برای مطالعه مواضع مختلف تشکیل می‌شد. این الگو نیازهای مراحل ابتدایی توسعه جامعه جهانی بهائی را که تعداد اعضای آن هنوز نسبتاً معدود و توجهش عمدتاً به گسترش جغرافیایی خود در سطح کره زمین معطوف بود به خوبی برآورده می‌ساخت. اما در آن زمان به صراحت اظهار داشتیم که برای آنکه فرایند دخول افواج به نحو قابل ملاحظه‌ای سرعت یابد ضروری خواهد بود که رویکرد دیگری برای مطالعه آثار شکل گیرد، رویکردی که منجر به ورود تعداد کثیری به میدان عمل گردد. به این منظور، از مؤسسات آموزشی خواستیم که گروه‌های فزاینده‌ای از احباً را برای خدمت به امر الله از طریق دوره‌هایی که دانش، بینش و مهارت‌های لازم را برای انجام وظایف متعدد مربوط به تسریع ترویج و تحکیم ارائه می‌نماید، یاری دهند.

۱،۹ مطالعه آثار امری و کوشش برای درک بهتر ظهور شکوه‌مند حضرت بهاء‌الله تکلیفی است که بر عهده هر یک از پیروان آن حضرت گذاشته شده است. همه موظفند که بر حسب توان و تمایل خود، در بحر زخار ظهور اعظمش کاوش نمایند و از لالی حکمت که در آن به ودیعه گذاشته شده بهره برند. بدین ترتیب کلاس‌های محلی تزئید معلومات، مدارس

تابستانه و زمستانه، و جلسات مخصوصی که در آن احبای متبحر در آثار بهائی می توانستند بینش خود را دربارهٔ مواضع مختلف با دیگران در میان بگذارند طبیعتاً از ویژگی های برجستهٔ حیات بهائی گردید. همان گونه که عادت به تلاوت روزانهٔ آیات الهی جزئی ضروری از هویت بهائی باقی خواهد ماند، این نوع مطالعات نیز جزئی از حیات جمعی جامعه خواهد بود. اما وقتی مطالعه و خدمت با هم توأم گردد و هم زمان صورت گیرد، درک مقتضیات آیات الهی هم برای رشد فردی و هم برای پیشرفت اجتماعی چندین برابر افزایش می یابد. در میدان خدمت، دانش مورد آزمایش قرار می گیرد، سؤالاتی در حین عمل پیش می آید و مدارج جدیدی از فهم و ادراک حاصل می شود. به مدد سیستم آموزش از راه دور که اکنون در کشورهای مختلف یکی پس از دیگری تأسیس گردیده و عناصر اصلی آن شامل حلقهٔ مطالعه، راهنما و مواد درسی مؤسسهٔ آموزشی روحی است، جامعهٔ جهانی بهائی این توانمندی را کسب نموده که هزاران بل میلیون ها نفر را قادر سازد که آثار الهی را در گروه های کوچک با هدف مشخص تحقق بخشیدن به تعالیم بهائی و پیشبرد فعالیت های امری به مرحلهٔ بعدی یعنی ترویج و تحکیم مستمر در مقیاسی وسیع، مطالعه نمایند.

اهمیت حصول چنین امکاناتی را نباید نادیده گرفت. بی ارادگی و بی تفاوتی مولود فشارهای اجتماع امروزی است. اشتیاق به تفریح و سرگرمی از کودکی با کارایی روزافزون تقویت می شود و نسل هایی تربیت می گردند که با میل و رضا از هر کس که در برانگیختن احساسات سطحی مهارت دارد پیروی می کنند. حتی در بسیاری از نظام های آموزشی، با محصلین طوری رفتار می شود که گویا ظروفي تهی برای دریافت اطلاعات هستند. اینکه عالم بهائی موفق به ایجاد فرهنگی شده است که شیوه ای از تفکر، مطالعه و عمل را ترویج می دهد و همگان خود را رهروان یک مسیر خدمت می دانند — یک دیگر را مساعدت نموده با هم به پیش می روند، دانشی را که

۱۰۱۰

هر یک در هر مقطع زمانی دارا است ارج می نهند و از گروه بندی مؤمنین به دسته هایی مثل ”بالمعلومات“ و ”بی معلومات“ اجتناب می ورزند — موفقیتی است بس عظیم و در آن تحرک یک نهضت توقف ناپذیر به چشم می خورد.

۱۰۱۱ آنچه از ضرورت خاصی برخوردار است افزایش چشم گیر کیفیت فرایند آموزشی در سطح حلقهٔ مطالعه در طی سال آینده می باشد تا استعداد بالقوهٔ سکنهٔ محلی برای ایجاد چنین پویایی و تحرکی تحقق پذیرد. برای حصول این مقصود، نقش کسانی که در مقام راهنما خدمت می کنند مهم خواهد بود. وظیفهٔ این راهنمایان همانا ایجاد محیطی است که در دوره های مؤسسهٔ آموزشی پیش بینی شده، محیطی که موجب توان دهنی روحانی به افراد می گردد تا خود را عوامل فعال یادگیری خویش و دست اندرکاران تلاش های مستمر برای استفاده از دانش برای ایجاد تحول فردی و جمعی شمرند. اگر در این مورد قصور شود، هر قدر تعداد حلقه های مطالعه در محدودهٔ جغرافیایی افزایش یابد، باز نیروی لازم جهت ایجاد تغییر تولید نخواهد شد.

۱۰۱۲ برای آنکه کار راهنمایان به مدارج عالی تری از کمال برسد، باید به خاطر داشت که مسئولیت اولیهٔ پرورش منابع انسانی در یک منطقه یا کشور به عهدهٔ مؤسسهٔ آموزشی است. مؤسسهٔ آموزشی در عین حال که می کوشد تعداد شرکت کنندگان را افزایش دهد، باید به صورت یک ساختار — از هیئت مدیره گرفته تا هماهنگ کنندگان در سطوح مختلف و راهنمایانی که به تودهٔ مردم خدمت می کنند — به همان میزان بر کارایی تمامی سیستم تأکید داشته باشد، زیرا نهایتاً حصول دست آوردهای مستمر کمی منوط به پیشرفت کیفی خواهد بود. در سطح محدودهٔ جغرافیایی هماهنگ کنندگان باید در مجهودات خویش برای همراهی راهنمایان حلقه های مطالعه هم پویایی و اشتیاق از خود

نشان دهند و هم از تجربیات عملی استفاده کنند. هم چنین آنها موظفند جلساتی ادواری برای راهنمایان ترتیب دهند تا در باره مجهودات خود تفکر و تأمل نمایند. جلساتی که به منظور مطالعه مجدد منتخباتی از مواد مؤسسه آموزشی تشکیل می‌گردد ممکن است گاه‌گاهی مفید باشد به شرط آنکه نیاز به آموزش مداوم را تلقین ننماید. قابلیت‌های راهنما با ورود وی به میدان عمل و کمک به دیگران در جهت نیل به اهداف سلسله نقشه‌های جهانی کنونی از طریق مطالعه دوره‌های متسلسل و اجرای قسمت‌های عملی آن، به تدریج افزایش می‌یابد. هم چنان که زنان و مردان در سنین مختلف این دوره‌های متسلسل را می‌گذرانند و با کمک راهنمایان مطالعه هر دوره را تکمیل می‌نمایند، دیگران — به خصوص هماهنگ‌کنندگانی که مسئول کلاس‌های کودکان، گروه‌های نوجوانان و حلقه‌های مطالعه هستند یعنی خدماتی که برای تداوم خود سیستم جنبه حیاتی دارد — باید آماده باشند تا آنان را در خدماتی که بر حسب توانایی و علاقه خود به عهده می‌گیرند همراهی کنند. برخورداری این سیستم از تحرک لازم باید کماکان موضوع یادگیری جدی در همه کشورهای، طی دوازده ماه آینده باشد.

توجه به تربیت روحانی کودکان همواره جزئی از فرهنگ جامعه بهائی بوده است و نتیجه اقدامات مربوطه پیدایش دو واقعیت هم‌زمان می‌باشد. یک واقعیت تأسی به دست‌آوردهای بهائیان ایران با ویژگی توانمندی تشکیل کلاس‌های سیستماتیک در مدارج مختلف برای کودکان خانواده‌های بهائی بود و معمولاً به منظور انتقال دانش راجع به تاریخ و تعالیم امر به نسل جدید ارائه می‌شد. در اکثر نقاط جهان تعداد کسانی که از چنین کلاس‌هایی بهره‌مند شده‌اند نسبتاً اندک بوده است. واقعیت دیگر در مناطقی اعم از شهری و روستایی که در آن تصدیق امر در مقیاس وسیع به وقوع پیوسته بود آشکار شد. در این مورد کلاس‌ها از عمومیت بیشتری برخوردار بود. با وجودی که کودکان خانواده‌های

۱۰۱۳

مختلف هم مشتاق شرکت در این کلاس‌ها بودند و هم با آغوش باز پذیرفته می‌شدند، عوامل مختلفی مانع از آن گردید که مواد درسی با نظم و ترتیب لازم سال به سال ارائه شود. چقدر موجب خشنودی است که با تشکیل کلاس‌های سیستماتیک برای همگان به اهتمام دوستانی که توسط مؤسسات آموزشی در سراسر عالم تعلیم دیده‌اند، این دوگانگی که محصول شرایط تاریخی بوده حال رو به زوال است.

یک چنین آغاز امیدبخشی را باید اکنون با همت و جدیت دنبال کرد. در هر محدوده جغرافیایی که برنامه فشرده رشد در جریان است باید کوشید تا با نظمی بیشتر تمهیدات لازم برای تربیت روحانی تعداد فزاینده‌ای از کودکان از خانواده‌هایی با پیشینه‌های مختلف فراهم شود، زیرا این امر برای فرایند جامعه‌سازی که در محله‌ها و دهکده‌ها در حال شتاب گرفتن است ضروری می‌باشد. این اقدام کار دشواری خواهد بود و مستلزم شکیبایی و تعاون هم از جانب والدین و هم از جانب مؤسسات می‌باشد. از مؤسسه روحی تقاضا شده است که برنامه‌های خود را جهت تکمیل دوره‌های تربیت معلم برای کلاس‌های کودکان در سطوح مختلف همراه با دروس مربوطه برای خردسالان ۵ تا ۶ ساله تا کودکان ۱۰ تا ۱۱ ساله تسریع نماید. بدین ترتیب، فاصله کنونی بین مواد درسی موجود برای این گروه سنی یعنی دروس کودکان و برخی از کتاب‌های نوجوانان که مسائلی مستقیم راجع به دیانت بهائی را بحث می‌کند، مانند کتاب "روح ایمان" و کتاب در دست انتشار "قوة روح القدس"، پر خواهد شد. با اضافه شدن این دوره‌ها و دروس تکمیلی، مؤسسات آموزشی در کلیه کشورهای قادر خواهند بود که معلمین و هماهنگ‌کنندگان مورد نیاز را جهت ارائه مفاد اصلی یک برنامه برای تربیت روحانی کودکان در سطوح مختلف آماده سازند، برنامه‌ای که در اطراف آن عناصر فرعی می‌تواند سازمان یابد و مورد استفاده قرار گیرد. در این فاصله، مؤسسات آموزشی باید نهایت کوشش خود را بنمایند که از میان سایر مواد آموزشی موجود

موادّی مناسب در اختیار معلّمین قرار دهند تا از آن بر حسب احتیاج در کلاس های کودکان سنّین مختلف استفاده نمایند.

۱.۱۵ دارالتبلیغ بین المللی تحرک پرشوری به مجهودات لازم برای تحقّق قبل از موعد اهداف نقشه پنج ساله بخشید و بدین سبب از آن مؤسسه جلیله صمیمانه سپاس گزاریم. میزان انرژی شگرفی که این مؤسسه صرف این مشروع عظیم جهانی نمود، پی گیری مجدّانه پیشرفت نقشه در هر یک از قارّات و هم کاری نزدیک آن با مشاورین قاره ای، نمایانگر پرتوی از قوای عظیمه ای بود که در نظم اداری بهائی به ودیعه نهاده شده است. حال که دارالتبلیغ بین المللی توجه خود را با همان قوّت به مسائل مربوط به کارایی فعالیت ها در سطح محدوده جغرافیایی معطوف می دارد، بدون شک توجه خاصّی نیز به تشکیل کلاس های کودکان مبدول خواهد داشت. مطمئن هستیم که تجزیه و تحلیل دارالتبلیغ در سال آینده از تجربیات حاصله در چند محدوده جغرافیایی منتخّب با شرایط اجتماعی مختلف، موجب شناخت بهتری از بعضی مسائل عملی خواهد شد و تأسیس کلاس های مرتّب برای کودکان سنّین مختلف را در محله ها و دهکده ها امکان پذیر خواهد ساخت.

۱.۱۶ انتشار سریع برنامه توان دهی روحانی به نوجوانان جلوه دیگری از پیشرفت فرهنگی جامعه بهائی است. در حالی که روندهای جهانی، این گروه سنّی را به صورت افرادی مشکل آفرین، سردرگم در آلام تغییرات پراشوب بدنی و عاطفی، بی اعتنا و خودبین تصویر می کند، جامعه بهائی با کلامی که به کار می برد و با رویکردی که اتخاذ می کند، مصمّمانه در جهت مخالف حرکت می نماید و به جای صفات مزبور، در نوجوانان خصایصی چون نوع دوستی، عدالت خواهی، اشتیاق به آموختن در باره عالم و آرزوی کمک به ساختن دنیایی بهتر می بیند. گزارش های متوالی که در آن نوجوانان در کشورهای مختلف در سراسر جهان به عنوان

شرکت کننده در این برنامه ها، افکار و نظریات خود را ابراز می دارند مؤید اعتبار این بینش است. شواهد بسیاری نشان می دهد که این برنامه به طور فزاینده ای نوجوانان را به نحوی به بررسی واقعیت ها مشغول می دارد که آنها می توانند نیروهای سازنده و مخرب فعال در اجتماع را تجزیه و تحلیل کرده و اثرات هر یک را بر افکار و اعمال خود شناسایی نمایند. این برنامه بینش روحانی آنها را شدت می بخشد، قدرت بیان آنها را افزایش می دهد و ساختارهای اخلاقی را که در تمام طول زندگی یاور آنها خواهد بود تقویت می نماید و در سنّی که قوای عقلانی، روحانی و جسمانی آنها در حال شکوفایی است، ابزار لازمه را در اختیار آنها قرار می دهد تا با نیروهایی که هویت واقعی آنها را در مقام موجوداتی شریف سلب می کند به مبارزه پردازند و در جهت پیشبرد سعادت همگان فعالیت نمایند.

۱.۱۷ اینکه قسمت عمده این برنامه مطالب را از دیدگاه بهائی ولی نه به صورت آموزش دینی بررسی می کند، راه را برای عرضه آن به نوجوانان در محیط ها و شرایط مختلف باز کرده است. در نتیجه در بسیاری از موارد، مجریان این برنامه با اطمینان به میدان اقدام اجتماعی وارد می شوند و با مسائل و امکانات گوناگونی روبه رو می گردند. این اقدامات و مسائل و امکانات توسط دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در ارض اقدس به صورت یک فرایند یادگیری در سطح جهانی دنبال و تنظیم می گردد. تا کنون به مدد دانش و تجربه به دست آمده، چند محدوده جغرافیایی در اطراف جهان این توان مندی را کسب نموده اند که هر یک متجاوز از هزار نوجوان را تحت پوشش این برنامه قرار دهند. برای اینکه محدوده های جغرافیایی دیگر نیز بتوانند به سرعت در این جهت پیش روند، دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی، با کمک گروهی از احبّاء، مشغول تأسیس شبکه ای از جایگاه هایی در همه قارّات عالم برای تعلیم هماهنگ کنندگان در صدها محدوده می باشد. این افراد کاردان پس از بازگشت هماهنگ کنندگان به محدوده های

جغرافیایی خود، به حمایت آنان ادامه می‌دهند تا آنها بتوانند محیطی سرشار از روحانیت در جهت تداوم برنامه نوجوانان به وجود آورند.

۱۰۱۸

اگرچه نوعی الگوی عمل هم‌اکنون نمایان گشته ولی مطمئناً دانش بیشتری در این زمینه به دست خواهد آمد. توان‌مندی جامعه بهائی تنها عاملی است که میزان پاسخگویی آن را به تقاضای مدارس و گروه‌های مدنی برای این برنامه محدود می‌سازد. آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی که در حال حاضر برنامه فشرده رشد دارند، از حیث شرایط و اوضاع طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند. در بعضی محدوده‌ها تعداد گروه‌های نوجوانان معدود و در برخی دیگر به حدی است که به خدمات یک هماهنگ‌کننده اختصاصی با پشتیبانی مداوم از طرف جایگاهی برای نشر یادگیری نیاز می‌باشد. برای حصول اطمینان از اینکه این توان‌مندی در همه محدوده‌های جغرافیایی مورد نظر افزایش یابد، لازم می‌دانیم که تا پایان نقشه کنونی ۳۲ جایگاه یادگیری، هر یک در خدمت حدود بیست محدوده جغرافیایی با هماهنگ‌کنندگانی تمام‌وقت، شروع به کار نمایند. در سایر این گونه محدوده‌های جغرافیایی، باید در سال جاری به ایجاد توان‌مندی برای عرضه این برنامه و ازدیاد منظم گروه‌های نوجوانان اولویت داد.

*

پیشرفت‌هایی که تا اینجا به آن اشاره کردیم — افزایش توان‌مندی برای تبلیغ مستقیم و شروع گفتگوهای هدف‌مند در مورد مسائل مهم روحانی با مردم از هر طبقه و گروه، شکوفایی شیوه‌ای از مطالعه آثار امری توأم با عمل، تجدید تعهد نسبت به آموزش روحانی کودکان در محله‌ها و دهکده‌ها و گسترش تأثیر برنامه‌ای که یک هدف اخلاقی دوگانه را به نوجوانان القا می‌کند، یعنی پرورش استعداد‌های ذاتی خود و کمک

۱۰۱۹

به تقلیب جامعه — همگی با پیشرفت دیگری در عرصه فرهنگ که پیامدهایش بسیار وسیع است، تقویت می‌شوند. نشانه این تکامل در آگاهی جمعی استفاده روزافزون از واژه «همراهی» در مکالمات بین احباب است، واژه‌ای که با وارد شدن در مجموعه لغات متداول در جامعه بهائی مفهوم جدیدی یافته است. این واژه نمایان‌گر تقویت چشم‌گیر فرهنگی است که در آن یادگیری شیوه عمل است، شیوه‌ای که باعث مشارکت آگاهانه تعداد فزاینده‌ای از مردم در کوششی متحد برای به کارگیری تعالیم حضرت بهاء‌الله در بنای تمدن الهی می‌گردد، تمدنی که تأسیس آن به فرموده حضرت ولی‌ام‌الله غایت قصوی و مقصد اعلاّی این دور مقدس است. چنین رویکردی با ورشکستگی روحانی و روش روبه زوال یک نظام اجتماعی کهنه شدیداً در تضاد است، نظامی که اغلب با سلطه جویی یا آز و طمع و یا ایجاد حس گناه‌کاری در افراد و یا دخل و تصرف ریاکارانه در امور خواهان تسلط بر قوای بشری می‌باشد.

تجلی این تحوّل فرهنگی در روابط بین احباب در کیفیت تعامل آنان ۱،۲۰ مشاهده می‌شود. یادگیری به صورت یک شیوه عمل مستلزم آن است که همگی تواضع و فروتنی در پیش گیرند حالتی که در آن انسان نفس خویش را فراموش می‌کند، توکل تام بر حضرت پروردگار دارد، متکی به قدرت و حمایت اوست، به تأییدات لاریبیه اش مطمئن است و به یقین مبین می‌داند که تنها حیّ توانا است که قادر است پشه ضعیف را عقاب قوی و قطره را بحر عظیم نماید. در چنین حالتی نفوس پیوسته با هم فعالیت می‌کنند و شادی و سرور خود را نه چندان در دست آورده‌های خویش بلکه در پیشرفت و خدمات دیگران می‌یابند. از این جهت است که افکارشان همواره متوجه یاری رساندن به یک‌دیگر است تا بر قلل خدمت در سبیل امر مبارکش عروج نمایند و در افلاک علم و معرفت او به پرواز درآیند. این است آنچه شاهد شکوفایی آن در الگوی کنونی فعالیت در سراسر جهان

هستیم، الگویی که پیر و جوان و قدیم و جدید همه در کنار هم به ترویج آن مشغولند.

۱۰۲۱

این پیشرفت فرهنگی نه فقط بر روابط بین افراد تأثیر می‌گذارد بلکه پیامدهایش را می‌توان در اجرای امور اداری امری نیز ملاحظه نمود. از آنجا که یادگیری شاخص نحوه عمل جامعه شده است برخی از جنبه‌های تصمیم‌گیری در زمینه ترویج و تحکیم به جمع مؤمنین محول گردیده تا برنامه‌ریزی و اجرای آن بتواند بیشتر پاسخگوی وضعیّت موجود محل باشد. به خصوص برای کسانی که در سطح محدوده جغرافیایی به فعالیت مشغولند، فضایی از طریق جلسات تأمل و تفکر به وجود آمده است که هر از گاهی دور هم جمع شوند و در پرتو تجربه و راهنمایی مؤسسات امری در مورد موقعیّت فعلی خود به اتفاق نظر رسند و گام‌های بعدی را مشخص نمایند. فضای مشابهی توسط مؤسسه آموزشی به وجود آمده که تمهیداتی برای افرادی که در مقام راهنمایان، معلمان کلاس‌های کودکان و مشوقین گروه‌های نوجوانان در محدوده جغرافیایی خدمت می‌کنند فراهم می‌سازد تا جداگانه ملاقات نموده و درباره تجارب خود به مشورت پردازند. در کنار این فرایند مشورتی مردمی و در ارتباط بسیار نزدیک با آن، نهادهای مؤسسه آموزشی و لجنه ناحیه‌ای تبلیغ همراه با اعضای هیئت معاونت قرار دارند که تعامل مشترک‌شان فضای دیگری ایجاد می‌کند که در آن تصمیمات مربوط به رشد، این بار به صورت رسمی تری، اتخاذ گردد. شیوه کار این سیستم محدوده جغرافیایی که بر حسب اقتضا ایجاد شده، نمایان‌گریک و ویژگی مهمّ نظم اداری بهائی است: این نظم هم‌چنان که تحت هدایت بیت العدل اعظم تکامل می‌یابد از حیث ساختارها و فرایندها و روابط و فعالیت‌ها همانند یک موجود زنده ذاتاً قابلیت قبول سطوح بیشتر و بالاتری از پیچیدگی را دارا است.

اینکه مؤسسات امری در تمام سطوح، از محلی و منطقه‌ای تا ملی و قاره‌ای، با مهارتی بیشتر قادر به اداره چنین پیچیدگی فزاینده‌ای هستند هم از ضروریات و هم نشانه بلوغ مستمر آنها است. روابط در حال تکامل بین ساختارهای اداری، محافل روحانی محلی را به آستانه مرحله جدیدی در اجرای مسئولیّت‌های خود برای انتشار کلام الهی، بسیج قوای احبّ و ایجاد جوّی مطلوب در جهت تهذیب روحانی افراد رسانده است. قبلاً خاطر نشان ساخته‌ایم که بلوغ یک محفل روحانی را نمی‌توان تنها با تشکیل جلسات مرتّب و کارایی عملیات آن ارزیابی نمود بلکه توانایی آن را تا حدّ زیادی با پویایی حیات روحانی و اجتماعی جامعه‌ای که به آن خدمت می‌کند باید سنجید، جامعه‌ای در حال رشد که از کمک‌های سازنده افراد، هم کسانی که رسماً تسجیل شده‌اند و هم کسانی که تسجیل نشده‌اند، استقبال می‌نماید. موجب خشنودی است که رویکردها، روش‌ها و ابزار کنونی وسایلی را برای محافل روحانی محلی، حتی محافل جدید التّاسیس، فراهم می‌سازد تا این مسئولیّت‌ها را در حین تأمین نیازهای نقشه پنج‌ساله در محلّ خود، ایفا نمایند. در حقیقت مشارکت صحیح محفل در نقشه‌های جهانی برای موفقیت هر تلاشی در جهت استقبال از افواج مردم حائز اهمیت بسیار می‌باشد و این اقبال افواج مردم نیز خود شرطی برای به ظهور رسیدن طیف کامل قوا و توان‌مندی‌های محفل است.

پیشرفت‌هایی که در محافل روحانی محلی در طی چند سال آینده مطمئناً شاهد آن خواهیم بود به واسطه قوت فزاینده محافل روحانی ملی میسر گردیده است، محافلی که توانایی آنها در تفکر و عمل مدبرانه به نحو محسوسی افزایش یافته، به خصوص که آموخته‌اند تا با کاردانی روزافزون به تجزیه و تحلیل فرایند جامعه‌سازی در سطح توده مردم پردازند و بر حسب نیاز، مساعدت و منابع مختلف و هم‌چنین تشویق و هدایت‌های مشفقانه خود را به این جوامع عرضه دارند. در کشورهایی که شرایط

ایجاب می‌کند محافل ملی بعضی از مسئولیت‌های خود را به شوراهای منطقه‌ای محول نموده‌اند و با تمرکززدایی از بعضی از وظایف اداری، توانمندی تشکیلاتی را در نواحی تحت اشراف خود تقویت نموده و زمینه را برای تعاملات پیشرفته‌تری فراهم ساخته‌اند. اغراق نیست اگر بگوییم که مشارکت کامل محافل ملی نقش بسیار مهمی در ایجاد جنبش نهایی لازم برای تحقق اهداف نقشه‌کنونی داشت و هم‌چنان که این مؤسسات، با هماهنگی با هیئت مشاورین، در طی ماه‌های زودگذر و حساسی که در پیش است نهایت کوشش را برای آماده‌سازی جوامع خود برای شروع نقشه‌عظیم پنج‌ساله بعدی به کار می‌برند، منتظر پیشرفت‌های بیشتری در این جهت می‌باشیم.

بدون شک تحولات و تغییرات تکاملی حاصله در مؤسسه مشاورین یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌ها در نظم اداری بهائی در طی دهه گذشته محسوب می‌شود. این مؤسسه قبل از آنکه مشاورین و اعضای هیئت معاونت در ژانویه ۲۰۰۱ برای شرکت در کنفرانس بزرگ داشت استقرار دارالتبلیغ بین‌المللی در مقر دائمی خود در کوه کرمل در ارض اقدس گرد هم آیند، پیشرفت‌های فوق‌العاده‌ای نموده بود. تردیدی نیست که قوای منبعثه از آن کنفرانس بر سرعت پیشرفت مؤسسه افزوده است. میزان نفوذی که مشاورین و معاونین در پیشبرد نقشه داشته‌اند نمایان‌گر آن است که این خادمان برانزده امرالله جای طبیعی خود را در صف اول میدان تبلیغ احراز نموده‌اند. اطمینان داریم که سال آینده — هم‌چنان که مؤسسات نظم اداری همگی می‌کوشند تا هر یک بر حسب وظایف و مسئولیت‌های در حال تکامل خود، روح یادگیری را که از خصوصیات برجسته و ممتاز طرز کار جامعه شده است تقویت نمایند و این امر را با فوریت بیشتری در آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی که مشغول اجرای برنامه‌های فشرده رشد

۱،۲۴

هستند پی‌گیری کنند — شاهد هم‌بستگی بیشتر این مؤسسات در هم‌کاری با یک‌دیگر خواهیم بود.

*

۱،۲۵ امر حضرت بهاءالله بی‌نهایت عظیم است و حصول تغییراتی عمیق را نه فقط در سطح فردی بلکه در ساختار اجتماع ضروری می‌شمارد. آن حضرت اعلام می‌فرمایند که "مقصود از هر ظهور، ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم سرّاً و جهرّاً ظاهراً و باطناً." کاری که امروز در اطراف و اکناف کره ارض در حال پیشرفت است نمایان‌گر مرحله‌ای اخیر مساعی مستمر جامعه بهائی برای ایجاد هسته تمدنی شکوه‌مند است که در تعالیم این ظهور اعظم مندمج می‌باشد، تمدنی که بنای آن مشروعی بی‌نهایت عظیم و پیچیده و به ثمر رساندن آن مستلزم قرن‌ها کوشش و تلاش نوع انسان است. در این مسیر نه راه میان‌بری وجود دارد و نه فرمولی. تنها با تلاش در جهت کسب بینش از امر اعظمش، با استفاده از دانش فزاینده نوع بشر، با به‌کارگیری هشیارانه تعالیمش در حیات بشری و با مشورت در مسائلی که پیش می‌آید یادگیری مورد نیاز حاصل خواهد شد و توانمندی لازم به وجود خواهد آمد.

۱،۲۶ در این فرایند طولانی ایجاد توانمندی، جامعه بهائی قریب پانزده سال وقت صرف تنظیم تجارب خود در زمینه تبلیغ نموده و آموخته است که برخی فعالیت‌ها را به روی مردم بیشتری بگشاید و ترویج و تحکیم را مستمر سازد. آغوش گرم جامعه به روی همگان باز است تا به آن پیوندند و از پیام حیات بخش حضرت بهاءالله رزق روحانی برگیرند. به یقین سروری از این بالاتر نیست که نفسی که مشتاق حقیقت است در حصن حصین امرالله پناه یابد و از قوای وحدت بخش عهد و میثاق نیروگیرد. در عین حال هر فرد از آحاد نوع بشر و هر گروه از انسان‌ها، قطع نظر از اینکه در خیل

پیروان این امر اعظم درآمده باشند یا نه، می‌توانند از تعالیم مبارکش الهام گیرند و از هر یک از لالی حکمت و دانش بی‌منتهایش که در رویارویی با مشکلات آنان را مدد می‌دهد، بهره‌برند. براساس تمدنی که بشریت را به سوی خود فرامی‌خواند تنها از طریق مساعی جامعه بهائی به وجود نخواهد آمد. گروه‌ها و سازمان‌های متعددی تحت تأثیر روح هم‌بستگی جهانی که جلوه‌ای غیرمستقیم از تعالیم وحدت عالم انسانی حضرت بهاءالله است، در استقرار تمدنی که مقدر است از میان اغتشاش و آشوب جامعه امروز ظاهر گردد سهم خواهند بود. باید بر همگان روشن باشد که توانمندی ایجاد شده در جامعه بهائی طی نقشه‌های جهانی متوالی به نحو فراینده‌ای آن را قادر ساخته است تا در ابعاد گوناگون و متنوع بنای مدنیت شرکت نماید و افق‌های جدیدی از یادگیری را به روی خود بگشاید.

در پیام رضوان ۲۰۰۸ خاطرنشان ساختیم که با ادامه مساعی در سطح محدوده جغرافیایی، احباً بیش از پیش به مشارکت در حیات عمومی اجتماع جلب خواهند شد و با این وظیفه مهم روبه‌رو خواهند گشت که فرایند یادگیری سیستماتیک را که به آن مشغول هستند توسعه دهند تا دامنه وسیعی از مجهودات انسانی را در برگیرد. در هر محدوده جغرافیایی، در حالی که عبادت دسته‌جمعی و گفتگوها در محیط صمیمانه منازل با فعالیت‌هایی به منظور آموزش روحانی به همه مردم از بزرگسال و جوان و کودک آمیخته می‌گردد، تصویر زیبا و پرباری از حیات جامعه به ظهور و بروز می‌رسد. آگاهی اجتماعی طبعاً آنگاه اعتلا می‌یابد که فی‌المثل گفتگوهای پرشور در بین والدین درباره آمال و علائق فرزندان‌شان تکثیر یابد و پروژه‌های خدمت با ابتکار نوجوانان به راه افتد. با ازدیاد وافر منابع انسانی در محدوده جغرافیایی و استحکام الگوی رشد، مشارکت و هم‌کاری جامعه بهائی با اجتماع می‌تواند در واقع می‌باید افزایش یابد. در این برهه خطیر از اجرای نقشه، هنگامی که تعداد بسیاری از محدوده‌های جغرافیایی به چنین مرحله‌ای نزدیک شده‌اند، مقتضی

۱.۲۷

است که احباً در کلیه نقاط درباره ماهیت کمک‌هایی که جوامع پویا و در حال رشد آنها به پیشرفت مادی و معنوی اجتماع ارائه خواهند داد تأمل نمایند. در این خصوص، تفکر در دو حوزه فعالیت که به هم مرتبط و تقویت‌کننده یک‌دیگرند یعنی اشتغال به اقدام اجتماعی و شرکت در گفت‌وگوهای رایج در اجتماع، سودمند خواهد بود.

۱.۲۸ جامعه بهائی در طی ده‌ها سال تجربیات زیادی در این دوزمین کسب کرده است. البته بسیاری از بهائیان از طریق شغل و حرفه خود در اقدام اجتماعی و گفت‌وگوهای عمومی مشارکت دارند. تعدادی از سازمان‌های غیردولتی که از تعالیم بهائی الهام گرفته‌اند در حوزه توسعه اجتماعی و اقتصادی در سطح منطقه‌ای و ملی برای بهبود اوضاع مردم خود فعالیت می‌کنند. بعضی از نهادهای وابسته به محافل روحانی ملی از طرق مختلف به ترویج افکاری که در بهبود رفاه عمومی مؤثر است، کمک می‌نمایند. در سطح بین‌المللی، نهادهایی مانند دفتر جامعه بین‌المللی بهائی در سازمان ملل متحد وظیفه مشابهی را ایفا می‌کنند. دوستانی که با توده مردم فعالیت می‌کنند، تا حد لزوم و مطلوب از این تجربیات و توانمندی برای رسیدگی به مسائل اجتماعی اطراف خود استفاده خواهند نمود.

۱.۲۹ اقدام اجتماعی به بهترین تعریف، طیفی از مجهوداتی است که می‌تواند از یک سو مساعی نسبتاً غیررسمی و کوتاه‌مدتی را که افراد یا گروه‌های کوچکی از احباً انجام می‌دهند شامل شود و از سوی دیگر، برنامه‌های پیچیده و پیشرفته توسعه اجتماعی و اقتصادی سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی را در برگیرد. هر نوع اقدام اجتماعی، صرف نظر از دامنه و مقیاس آن، کوششی برای به کارگیری تعالیم و اصول امر الهی به منظور اصلاح یک و یا بعضی از جنبه‌های حیات اجتماعی یا اقتصادی گروهی از مردم می‌باشد. به این ترتیب، شاخص این گونه مجهودات هدف صریح

ترویج رفاه مادی مردم و در عین حال سعادت معنوی آنها است. از جمله تعالیم اساسی دیانت بهائی آن است که تمدن جهانی که اکنون در افق حیات بشری نمایان گردیده باید انسجامی پویا بین نیازهای مادی و معنوی زندگی برقرار سازد. بدیهی است که این آرمان پیامدهای مهمی برای ماهیت هر اقدام اجتماعی که بهائیان دنبال کنند، صرف نظر از دامنه و تأثیر آن، در بردارد. هرچند شرایط و احوال از کشور تا کشور بلکه از یک محدوده تا محدوده دیگر تفاوت خواهد داشت و در نتیجه مساعی احباً نیز متفاوت خواهد بود اما برخی مفاهیم بنیادین وجود دارد که باید همه آن را در نظر بگیرند. یکی از این مفاهیم جایگاه مرکزی دانش در حیات اجتماعی است. تداوم بخشیدن به جهل و نادانی از غم‌انگیزترین انواع جور و ستم است و موجب استحکام و ابقای تعصبات گوناگون می‌گردد، تعصباتی که مانعی در راه تأسیس وحدت عالم انسانی است، وحدتی که در عین حال هم هدف و هم اصل اجرایی امر حضرت بهاءالله می‌باشد. دسترسی به دانش حق هر یک از افراد بشر است و مشارکت در ایجاد، به کارگیری و انتشار آن مسئولیتی است که هر فردی بر حسب استعداد و توانایی خود باید به جهت شرکت در مشروع عظیم بنای یک مدنیت جهانی بر عهده گیرد. عدالت مشارکت عمومی را ایجاب می‌نماید. در نتیجه، اگرچه اقدام اجتماعی ممکن است عرضه کالا و خدمات را به صورتی شامل شود اما مقصد آن در درجه اول باید ایجاد توانمندی در جمعیت مورد نظر باشد تا بتوانند در ساختن یک جهان بهتر مشارکت نمایند. تغییر و تحوّل اجتماعی پروژه‌ای نیست که یک گروه از مردم به جهت خیر و مصلحت گروه دیگر انجام دهد. وسعت و پیچیدگی اقدام اجتماعی باید با منابع انسانی موجود در دهکده یا محله متناسب باشد. بنا بر این بهتر است که مساعی در مقیاس کوچکی آغاز گردد و به طور طبیعی به تناسب افزایش توانمندی ساکنین گسترش یابد. البته هم‌چنان که دست‌اندرکاران تغییر و تحوّل اجتماعی می‌آموزند که عناصری از این ظهور اعظم را توأم با یافته‌ها و روش‌های علمی، با کارآیی فزاینده‌ای در برخورد با واقعیت

اجتماعی خود، به کار برند توانمندی به سطوح جدیدی ارتقا می‌یابد. آنان باید بکوشند تا با بینشی هماهنگ با تعالیم الهی به این واقعیت بنگرند یعنی هم‌نوعان خود را به مثابه معادنی از جواهرگران بها مشاهده نمایند و اثرات فرایند دوگانه سازندگی و تخریب را هم در قلوب و عقول و هم در ساختارهای اجتماعی تشخیص دهند.

۱،۳۰ به همان گونه که بینش حاصله از شرکت در برخی گفتمان‌ها می‌تواند به روشن شدن مفاهیمی کمک کند که اقدام اجتماعی را شکل می‌دهد، اقدام مؤثر اجتماعی نیز موجب غنی شدن مشارکت در گفتمان‌های عمومی می‌گردد. مشارکت در گفتمان‌های اجتماعی در سطح محدوده جغرافیایی می‌تواند شامل یک عمل ساده مثل استناد به اصول دیانت بهائی ضمن یک صحبت روزمره تا فعالیت‌های منظم‌تری مانند تهیه مقالات و حضور در جلساتی راجع به مسائل اجتماعی، از جمله تغییر آب و هوا و محیط زیست یا حاکمیت و حقوق بشر، باشد. این مشارکت مستلزم تعامل هدف‌مند و مفید با گروه‌های مدنی و سازمان‌های محلی در دهکده و محله نیز می‌باشد.

۱،۳۱ در این رابطه ذکر یک هشدار را ضروری می‌دانیم. حائز اهمیت است که همگان به خوبی متوجه باشند که ارزش شرکت در اقدام اجتماعی و گفتمان‌های عمومی را نباید بر حسب امکان تسجیل افراد تعیین نمود. گرچه مساعی در این دوزمینه ممکن است در افزایش تعداد تسجیل‌شدگان مؤثر باشد ولی اصولاً این اقدامات به این منظور انجام نمی‌شود. اصل ضروری در این مورد خلوص نیت است. به علاوه باید از مبالغه در باره تجارب جامعه بهائی و یا از جلب توجه غیر ضروری به مساعی نوپایی مانند برنامه توان‌دهی روحانی به نوجوانان که بهتر است با سرعت طبیعی خود به پیش رود دوری جست. آنچه در همه موارد باید مورد نظر باشد تواضع و فروتنی است. احباً در اظهارشور و اشتیاق در باره عقاید خود

باید از ابراز هر نوع احساس برتری بر دیگران بپرهیزند، احساسی که ابراز آن حتی در بین خود احباً شایسته نیست تا چه رسد به مجامع دیگران.

هدف از توصیف این فرصت‌های جدید که اکنون در سطح محدوده جغرافیایی به وجود آمده است این نیست که شما مسیر کنونی خود را به وجهی تغییر دهید. هم‌چنین نباید تصور نمود که این فرصت‌ها نمایان‌گر پیدایش میدان دیگری از خدمت است که برای جلب منابع محدود مالی و انسانی جامعه با کار ترویج و تحکیم رقابت می‌کند. در طی سال آینده تقویت فرایند مؤسسه آموزشی و الگوی فعالیتی که ایجاد کرده است باید ادامه یابد و تبلیغ بایستی برای هریک از احباً بالاترین اولویت را داشته باشد. به علاوه مشارکت بیشتر در حیات اجتماع نابیستی نابهنگام و عجولانه صورت گیرد. این مشارکت به تدریج با کوشش و پشت‌کار احباً در هر محدوده جغرافیایی در اجرای مفاد و مندرجات نقشه از طریق فرایند عمل، تأمل، مشورت، مطالعه و نتیجتاً یادگیری به طور طبیعی پیش خواهد آمد. مشارکت در زندگی اجتماع با افزایش تدریجی توان‌مندی جامعه در پیشبرد رشد و حفظ تحرک و پویایی خود، شکوفا خواهد شد و تا حدی که در آن از عناصر چارچوب مفاهیم ذهنی حاکم بر سلسله نقشه‌های جهانی کنونی استفاده شود، با فعالیت‌های ترویج و تحکیم انسجام خواهد یافت و به همان اندازه که این عناصر در زمینه‌های تازه یادگیری به نحو سازنده‌ای به کار گرفته شود، به حرکت جمعیت‌ها به سوی بینش حضرت بهاء‌الله نسبت به یک تمدن جهانی مرفه و صلح‌آمیز کمک خواهد کرد.

*

دوستان عزیز و محبوب، مولای خون حضرت عبدالبهاء به کرات اظهار امیدواری می‌فرمودند که احباً با یک‌دیگر در نهایت الفت و محبت

باشند، یار و اغیار ندانند بلکه عالم انسانی را یک خاندان و یک سلاله شمرند. نصیحت حضرتش آن است که: ”بیگانه نبینید بلکه جمیع را آشنا دانید زیرا با وجود ملاحظه بیگانگی محبت و یگانگی مشکل است.“ همه پیشرفت‌های مشروحه در این صفحات، در عمق حقیقتش چیزی جز جلوه‌ای از محبت شامله محیطه الهیه نیست که به مدد قدرت روح القدس حاصل شده است. مگر نه این است که محبت الله همه حجابات بیگانگی و اختلاف را می‌سوزاند و قلوب را با اتحاد کامل به هم پیوند می‌دهد؟ مگر نه این است که محبت الله شما را در میدان خدمت به پیش می‌برد و بینشی عطا می‌کند که بتوانید در هر انسانی توان‌مندی شناسایی خداوند و بندگی آستانش را مشاهده نمایید؟ آیا علم به اینکه مظهر ظهور الهی یک عمر رنج و مشقت را با نهایت سرور به خاطر عشق به عالم انسانی تحمل فرمود به زندگی شما تحرک نبخشیده است؟ به هم‌مسلمانان خویش، خواهران و برادران روحانی خود در ایران بنگرید. آیا آن دل‌دادگان روی جانان مظهر استقامت کبری که منبعث از محبت الله و اشتیاق خدمت به آستان مبارک اوست نیستند؟ آیا توانایی آن عزیزان در تحمل ظالمانه‌ترین تضییقات و سیر در عوالمی و رای آن، خود نمایان‌گر آن نیست که میلیون‌ها نفوس ستم‌دیده در جهان قادرند به پا خیزند و نقشی مؤثر در استقرار ملکوت الهی بر روی زمین داشته باشند؟ پس با نهایت استقامت و بی‌اعتنا به ساخت‌های تفرقه‌انداز اجتماعی به پیش روید و پیام حضرت بهاء‌الله را به نفوس مستعد و منتظر در هر محله، هر دهکده و هر گوشه‌ای از کره ارض برسانید و آنان را به جامعه اسم اعظم رهنمون گردید. در قلوب و ادعیه خود همواره به یاد شما خادمان عزیز امر حضرت رحمان هستیم و پیوسته از درگاهش ملتسمیم که با مرحام غیبیه و عنایات لاریبیه اش شما عزیزان را تأیید و توفیق بخشد.

[امضا: بیت العدل اعظم]

ترجمه‌ای از
پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان
(از: مرکز جهانی بهائی)

۲۹ اوت ۲۰۱۰

دوستان عزیز و محبوب،

۲:۱ عزیزم مرکز میثاق حضرت عبدالبهاء در یک صد سال پیش از حیفاً به مقصد پورت سعید نویددهنده آغاز فصل شکوه‌مند بدیعی در تاریخ امر مبارک بود. سفر هیکل مبارک و مراجعت ایشان به ارض اقدس سه سال به طول انجامید. حضرت ولی‌امرالله در اشاره به این رویداد تاریخی می‌فرمایند: ”استقرار امر مقدس حضرت بهاءالله در نیم‌کره غربی — درخشان‌ترین دست‌آوردی که تا ابد با ایام قیادت حضرت عبدالبهاء مربوط خواهد بود ... — چنان قوای عظیمه روحانیّه و ثمرات جنیه لطیفه‌ای به بار آورده بود که مستلزم الطاف مخصوصه نیر پیمان و مشارکت شخصی مرکز عهد رحمان بود....“ با آغاز اسفار تاریخی حضرت عبدالبهاء به غرب، امر الهی که بیش از نیم‌قرن در محاصره جنود ظلم و عناد قرار داشت از قیود دیرینه رهایی یافت و برای اولین بار بعد از تأسیس این امر مبین، مرکز معلوم و مرجع منصوص اهل بها آزادی عمل یافت تا فارغ از محدودیت‌ها، مأموریت محوله الهیه خود را دنبال نماید.

۲:۲ طبق همه موازین دنیوی، بعید به نظر می‌رسید که حضرت عبدالبهاء توان و آمادگی انجام این امر خطیر را داشته باشند زیرا که شصت و شش

سال از عمر مبارک‌شان سپری شده، از طفولیت در تبعید و سرگونی بسر برده، مدرسه ندیده، مدت چهل سال در اسارت و زندان زیسته، قوای جسمانی‌شان به تحلیل رفته و با آداب و السنه غربی کاملاً ناآشنا بودند. با این حال، بی‌اعتنا به راحت و آسایش خویش، بی‌توجه به مخاطرات سفر و با اتکای کامل به تأییدات الهیه برای انتشار امر حضرت پروردگار قیامی دلیرانه فرمودند و با نفوس گوناگون در نه کشور در سه قاره جهان معاشر گردیدند. وسعت و شدت مجهودات خستگی‌ناپذیر هیکل مبارک در این سفر آن‌چنان بود که ”عشاق روی مبینش را در شرق و غرب در دریای تحسین و حیرت مستغرق ساخت و نفوذ و تأثیری بی‌زوال“ در آینده این امر ابداع اعظم باقی گذاشت.

بهایان در سراسر جهان در طی چند سال آینده، رویدادهای اسفار تاریخی حضرت عبدالبهاء را با شادمانی به خاطر خواهند آورد. اما اهمیت این سالگرد فراتر از زمانی برای بزرگداشت است. بیانات مرکز عهد الهی و سلوک و شیم سراسر حکمت و محبت آن طلعت نورا در طی این اسفار، منبع عظیمی از الهام و بصیرت است که مشتاقان روی آن دلبر آفاق امروزه می‌توانند در مساعی خود برای استقبال از نفوس مستعد، افزایش توانمندی برای خدمت، ایجاد و توسعه جوامع محلی، تقویت تشکیلات امری و یا استفاده از فرصت‌هایی که جهت مشارکت در اقدام اجتماعی و گفتمان‌های عمومی پیش می‌آید، از آن بهره‌گیرند. بنا بر این ما اهل بها باید نه تنها در باره توفیقات مرکز میثاق و آنچه حضرتش انجام آن را به جریان انداخت تأمل نماییم بلکه در مورد امور انجام نشده‌ای که هیکل مبارک به ما ارجاع فرموده‌اند نیز به تفکر پردازیم. حضرت عبدالبهاء در الواح نقشه ملکوتی آرزوی قلبی خود را چنین ابراز می‌فرمایند:

یکاش از برای من میسر می‌شد که پای پیاده ولوبه کمال
فقر به آن صفحات مسافرت می‌نمودم و نعره زنان در شهرها و

دهات و کوه و بیابان و دریا یا بهاء‌الابهی می‌گفتم و ترویج تعالیم
الهی می‌نمودم ولی حال از برای من میسر نه لهذا در حسرتی
عظیم هستم بلکه انشاءالله شماها موفق گردید.

از زمانی که این بیانات مبارک عز‌صدور یافت قریب یک قرن
می‌گذرد. نقشه ملکوتی الهی مرحله به مرحله با موفقیت شایان به موقع
اجرا گذاشته شده و امر حضرت یزدان در جمیع اقطار عالم استقرار یافته
است. امروزه ما بهائیان در نقاطی که حضرت عبدالبهاء مشتاق سفر به
آن بودند زندگی می‌کنیم. آحاد احباً، جوامع و تشکیلات بهائی اکنون
توانمندی لازم را جهت اقدامات سیستماتیک، پایدار و منسجم کسب
کرده‌اند. از اینرو شایسته است که در این ایام پرانجذاب تذکر و یادبود، هر
یک از عشاق باوفای طلعت میثاق به اسم آن هیکل انور در میدان خدمت
قیامی دلیرانه نماید و سهم خود را، هر چقدر ناچیز، در پیشرفت نقشه‌ای که
آن وجود مقدس تدوین فرمود، آن میراث گران‌بهای جاودانی، ادا نماید.

[امضا: بیت العدل اعظم]

۲،۳

۲،۴

ترجمه‌ای از
پیام بیت العدل اعظم الهی
خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای
(از: مرکز جهانی بهائی)

۲۸ دسامبر ۲۰۱۰

دوستان عزیز و محبوب،

۳:۱ پانزده سال پیش در یک چنین گردهم‌آیی مشاورین قاره‌ای در ارض
اقدس برای اولین بار به مسیری اشاره نمودیم که جامعه بهائی می‌بایست
برای تسریع فرایند دوگانه ترویج و تحکیم خود ببیند، مسیری که تجارب
اندوخته، جامعه را آماده نموده بود تا با اطمینان در آن گام بردارد.
فاصله‌ای که در ظرف این مدت کوتاه طی شده نیازی به اظهار نظر ندارد
زیرا دست‌آوردهای موجود خود گویای آن است. امروز از شما عزیزان
دعوت می‌نمایم تا در مورد مرحله بعدی مشروع عظیمی که عالم بهائی
به آن اشتغال دارد مشورت نمایید. این مرحله از رضوان سال ۲۰۱۱ تا
رضوان سال ۲۰۱۶ ادامه خواهد داشت و اولین نقشه از دو نقشه متوالی
پنج‌ساله‌ای است که به صدمین سالگرد آغاز عصر تکوین منتهی خواهد
گردید. از شما تقاضا می‌کنیم که در طی چند روز آینده تصویر روشنی در
ذهن خود ترسیم نمایید که چگونه اعضای هیئت‌های مشاورین و معاونین
جامعه بهائی را یاری خواهند داد تا بر مبنای موفقیت‌های خارق‌العاده‌اش
به پیشرفت خود ادامه دهد — روحیه یادگیری را که به نحو غیر قابل

انکاری از ویژگی‌های مساعی تبلیغی‌اش گردیده به سایر میادین فعالیت تعمیم دهد، توانمندی لازم را برای استفاده منسجم از ابزار و روش‌هایی که با تلاش زیاد به وجود آورده کسب نماید و تعداد کسانی را که با وقوف به بینش امر الهی در اجرای رسالت روحانیش با پشت‌کار فراوان در تلاشند به میزانی بی‌سابقه افزایش دهد.

در پیام رضوان امسال ابعاد فرایند یادگیری را که در طی چهار نقشه متوالی مستمراً سرعت گرفته و موجب افزایش توانمندی احباً برای فعالیت در سطح مردمی شده است توصیف نمودیم. این چشم‌انداز به راستی شگفت‌انگیز است. بیش از ۳۵۰,۰۰۰ نفر در سراسر عالم اولین دوره مؤسسه را گذرانده‌اند و توانایی برای ایجاد یک الگوی زندگی ممتاز به خصلت نیایش به نحو محسوسی افزایش یافته است. در محیط‌های گوناگون و در همه قارات، احباً در دعا و مناجات با دیگران متحد شده با تضرع و ابتهال به درگاه حضرت پروردگار توجه نموده و از قوای روحانی‌ای که کارایی مساعی فردی و جمعی‌شان منوط به آن می‌باشد مدد می‌گیرند. تعداد کل کسانی که بالقوه می‌توانند در مقام معلمین کلاس‌های کودکان خدمت کنند در طی پنج سال تقریباً دو برابر شده و به حدود ۱۳۰,۰۰۰ نفر بالغ گشته است. این افزایش به جامعه امکان داده است که به نیازهای روحانی کودکان صمیمانه پاسخ گوید. در طی همان مدت، شش برابر شدن توانمندی برای کمک به نوجوانان به منظور گذر از چنین مرحله بحرانی حیات‌شان نشانه‌ای از میزان تعهد جامعه نسبت به این گروه سنی می‌باشد. به علاوه در همه جا تعداد قابل ملاحظه‌ای از احباً خود را آماده می‌یابند تا با مردمی از پیشینه‌ها و علایق گوناگون وارد مکالمه شوند و با هم به کشف واقعیاتی پردازند که به درکی مشترک از نیازهای این دوره از تاریخ بشر و نحوه پاسخگویی به آن می‌انجامد. و مساعی نزدیک به ۷۰,۰۰۰ نفر که قادرند در مقام راهنمای حلقه‌های مطالعه خدمت کنند افزایش سیستماتیک فعالیت‌های اساسی نقشه را کمک می‌نماید،

فعالیت‌هایی که تعداد شرکت‌کنندگان در آن در سراسر عالم در هر مقطع زمانی رقمی بالغ بر نیم میلیون بوده است.

با سیستمی که به این ترتیب برای پرورش منابع انسانی ایجاد شده، همان‌طور که در پیام رضوان ۲۰۱۰ روشن ساختیم، جامعه اسم اعظم وسیله‌ای با امکانات نامحدود به دست آورده است. در تحت شرایطی بسیار متنوع و عملاً در همه محدوده‌های جغرافیایی، چند نفر در مقام هسته مرکزی یک گروه در حال تزیاد می‌توانند جنبشی مردمی به سوی هدف یک نظم جهانی به وجود آورند. ده سال پیش هنگامی که برای اولین بار مفهوم محدوده را که یک ساخت جغرافیایی به منظور تسهیل تفکر در مورد رشد امرالله است مطرح نمودیم توضیحی نیز در باره چهار مرحله کلی در مسیر توسعه آن ارائه دادیم. با اجرای نقشه توسط جامعه بهائی این توضیح در تجسم و توصیف آنچه اساساً یک فرایند مستمر است بسیار مفید واقع شد. تجارب فراوانی که تا به حال به دست آمده اکنون احباً را قادر می‌سازد که حرکت یک جمعیت را که به مدد قوای روحانی تزیاد پیش می‌رود به صورت یک پیوستار غنی و پویا تصور نمایند. یک بررسی کوتاه از فرایندی که در محدوده جغرافیایی بسط می‌یابد، گرچه همگی با آن آشنایی کامل دارید، کمکی به تأکید بر ماهیت ارگانیک آن خواهد بود.

برنامه رشد

فرصت‌های حاصله از اقدامات شخصی احباً، و یا احیاناً فعالیت‌های یک مهاجر داخلی، در جهت شروع مکالمات هدف‌مند و پرمحتوا با ساکنین محل نحوه آغاز فرایند رشد در یک محدوده جغرافیایی را تعیین می‌کند. یک حلقه مطالعه مرکب از چند دوست یا همکار، کلاسی برای چند کودک محله، گروهی برای نوجوانان در ساعات بعد از مدرسه، یک

جلسه دعا برای دوستان و بستگان — هر یک از این اقدامات می تواند محرک رشد باشد. پیشرفت های بعدی تابع مسیری نیست که از قبل مشخص شده باشد. شرایط ممکن است ایجاب نماید که به یک فعالیت اساسی اولویت داده شود و به میزانی سریع تر از سایر فعالیت ها افزایش یابد. این امکان نیز وجود دارد که هر چهار فعالیت اساسی با سرعتی مشابه پیش رود. ممکن است گروه های سیار دعوت شوند تا به مجموعه فعالیت های نوشکفته تحرک بخشند. اما نتیجه نهایی قطع نظر از ویژگی ها باید یکسان باشد. انسجام حاصله بین فعالیت های اساسی در داخل هر محدوده جغرافیایی باید به میزانی برسد که در مجموع بتوان یک برنامه نوپا جهت ترویج و تحکیم پایدار امر الله را مشاهده نمود. بدین معنا که جلسات دعا، کلاس های کودکان و گروه های نوجوانان، با هر ترکیب و هر تعداد، توسط کسانی اداره می شود که دوره های متسلسل مؤسسه آموزشی را طی کرده اند و به آن بینش تقلیب و تغییر فردی و جمعی که این دوره ها ترویج می دهند پای بندند. این نخستین حرکت منابع انسانی به میدان عمل سیستماتیک اولین نماد پیشرفت از نمادهای متعدد یک فرایند رشد پایدار می باشد.

همه مؤسسات و نهادهای امری، و بیش از همه اعضای هیئت معاونت، که اهداف سلسله نقشه های جهانی جاری را ترویج می نمایند باید آن چالاک و هوشیاری را که تولد یک چنین فرایند پویایی ایجاب می کند از خود نشان دهند. کمک به احباً برای تجسم این اولین نماد و راه های متعدد وصول به آن جزو وظایف اصلی هر عضو هیئت معاونت و تعداد فزاینده ای از مساعدین آنها است. در این مورد نیز مانند دیگر کارهایشان باید وسعت نظر و روشنی فکر، انعطاف پذیری و کاردانی و ابتکار از خود نشان دهند. بایستی دوش به دوش احباً حرکت کنند، آنان را در تلاش هایشان حمایت نمایند و در شادی آنها شریک باشند.

۳،۵

بعضی از این دوستان به سرعت در صف اول فعالیت ها قرار خواهند گرفت در حالی که دیگران با احتیاط بیشتری گام بر خواهند داشت ولی همه نیازمند تشویق و حمایت هستند اما نه تشویق و حمایت نظری بلکه بر اساس دانش واقعی که تنها با خدمت در کنار یکدیگر حاصل می گردد. ایمان به توانمندی هر فرد مشتاق به خدمت از طرف کسانی که مایلند احباً را به مشارکت جدی در اجرای نقشه ترغیب نمایند حائز اهمیت بسیار خواهد بود. محبت بدون قید و شرط و فارغ از حس برتری برای کسانی که می خواهند به احباً کمک کنند تا تردید را به شهامت ناشی از ایمان به خدا و هیجان طلبی را به تعهد نسبت به اقدام درازمدت تبدیل نمایند از ضروریات خواهد بود. عزم جزم همراه با آرامش در تلاش برای تبدیل موانع به وسیله ای برای پیشرفت جنبه حیاتی خواهد داشت. آمادگی برای گوش دادن، توأم با بصیرت عمیق روحانی، برای تشخیص موانعی که می تواند بعضی از احباً را از درک ضرورت وحدت در عمل بازدارد، بسیار ارزشمند خواهد بود.

تشدید فعالیت ها

توجه به این نکته حائز اهمیت است که با ایجاد یک برنامه رشد، بروز یک حس تعلق به جامعه شروع به اثرگذاری بر سیر وقایع می نماید و چه این فعالیت ها در سطح محدوده جغرافیایی پراکنده باشد و چه در یک دهکده یا محله متمرکز گردد احساس یک هدف مشترک ویژگی مساعی دوستان خواهد بود. با هر میزانی از سازمان دهی که فعالیت ها بعد از بروز اولیة این احساس هدایت شده باشد، ازدیاد سیستماتیک و متوازن فعالیت های اساسی سطوح بالاتری از آن را ایجاب خواهد کرد. از طریق تمهیدات گوناگون، فعالیت ها بیش از پیش سازمان می یابد و ابتکار شخصی که در گذشته عمدتاً نمایانگر میل و اراده فرد بود اکنون بیانگر خواست جمعی می گردد. تعدادی هماهنگ کننده که از طرف مؤسسه

۳،۶

آموزشی منصوب شده‌اند به میدان خدمت وارد می‌شوند — بعضی برای حلقه‌های مطالعه، برخی برای گروه‌های نوجوانان و هم‌چنین برای کلاس‌های کودکان. انتصاب این نفوس به هر ترتیب و نوبتی که صورت گیرد بالقوه قابل قبول است. هیچ امر دیگری به غیر از آگاهی دقیق از اوضاع محل نباید تعیین‌کننده نوبت این انتصاب باشد زیرا آنچه مطرح است رعایت مجموعه‌ای از مقررات نیست بلکه بسط یک فرایند آموزشی است که ظرفیت بالقوه آن برای توان‌دهی روحانی به تعداد زیادی از افراد در حال جلوه و بروز می‌باشد.

به موازات استقرار مکانیزم‌هایی جهت حمایت از فرایند مؤسسه آموزشی ساختارهای اداری دیگری تدریجاً شکل می‌گیرد. ملاقات‌های پراکنده چند نفر از احباً به تبادل نظرهای منظم یک گروه مرکزی از دوستانی تبدیل می‌شود که تعدادشان در حال افزایش است و علاقه‌مندند انرژی فزاینده‌ای را صرف خدمت نمایند. با شتاب گرفتن فرایند رشد، چنین ترتیبی نهایتاً پاسخگوی نیازهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نخواهد بود و لجنة تبلیغ ناحیه‌ای تشکیل می‌شود و جلسات تأمل و بازنگری نهادینه می‌گردد. با تعاملات مشترک لجنة، مؤسسه آموزشی و اعضای هیئت معاونت، طرحی کامل برای هماهنگ نمودن فعالیت‌ها به اجرا در می‌آید، طرحی که بالقوه دارای همه قابلیت‌های مورد نیاز برای تسهیل مؤثر ابلاغ هدایات، حرکت منابع مالی و توزیع اطلاعات می‌باشد. در این زمان، فرایند رشد در محدوده جغرافیایی ترتیبی خواهد داشت که با ادوار مشخص ترویج و تحکیم توازن یافته است و هر سه ماه یک بار با تشکیل جلسه‌ای برای تأمل، بازنگری و برنامه‌ریزی، بدون وقفه به پیش می‌رود.

در این مرحله نیز اعضای هیئت معاونت و دیگر مؤسسات و نهادهای مربوطه مانند شورای منطقه‌ای و هیئت‌مدیره مؤسسه آموزشی باید تمهیدات لازم را مجری دارند تا ساختارهای اداری که در محدوده جغرافیایی شکل

می‌گیرد از خصوصیات لازم برخوردار باشد. دوره‌های متسلسل که فرایند تقلیب جامعه را به نحوی چنین مؤثر تسهیل می‌نماید و استفاده از آن را به همه مؤسسات آموزشی توصیه نموده‌ایم، به خصوص چنان طرح‌ریزی شده است که جوّی ایجاد نماید که هم مشارکت عمومی را سبب گردد و هم به حمایت و مساعدت متقابل کمک نماید. در پیام رضوان، ماهیت روابط بین افراد را در چنین محیطی که همگی خود را رهروان یک مسیر مشترک خدمت می‌بینند به اختصار شرح دادیم و هم‌چنین اشاره نمودیم که چنین محیطی بر امور اداری امرالله بی‌تأثیر نیست. احباً با مشارکت روزافزون در امور تبلیغی و اداری، مشارکتی که با حالت یادگیری خاضعانه صورت می‌گیرد، هر وظیفه و هر تعاملی را باید فرصتی برای همکاری در جهت پی‌گیری پیشرفت و موهبتی برای همراهی یکدیگر در میدان خدمت به امرالله بدانند. از این طریق گرایش به زیاده‌روی در تعلیم کاهش خواهد یافت و تمایل به تقلیل یک فرایند پیچیده تقلیب روحانی به چند گام ساده بر طبق مقررات یک دستورالعمل برطرف خواهد شد. اقدامات پراکنده در زمینه‌ای مشترک مرتبط می‌گردد و حتی کوچک‌ترین گام‌ها پرمعنا می‌شود. عمل کرد قوای روحانی در میدان خدمت به طور روزافزون نمایان می‌شود و پیوندهای دوستی که برای یک الگوی صحیح رشد جنبه حیاتی دارد مستمراً تقویت می‌گردد.

در این صحنه که فرایندها بسط می‌یابد، ساختارها شکل می‌گیرد و دوستی‌ها تداوم پیدا می‌کند، آن لحظه‌ای که به "آغاز" یک برنامه فشرده رشد معروف گردیده نشانه این تشخیص آگاهانه است که همه عناصر لازم برای تسریع ترویج و تحکیم امرالله نه تنها موجود بلکه از کارایی لازم نیز برخوردار است و علامت بلوغ نظمی دائم التوسعه و خودکفا برای تهذیب روحانی یک جمعیت است: گروه‌هایی از دوستان به طور مداوم دوره‌های مؤسسه آموزشی را طی می‌کنند و به فعالیت‌های مربوطه مشغول می‌شوند و

۳،۷

۳،۸

۳،۹

این فعالیت‌ها به نوبه خود باعث افزایش تعداد مقبلین جدید می‌گردد که پیوسته درصد قابل ملاحظه‌ای از آنان به فرایند مؤسسه آموزشی می‌پیوندند و بدین ترتیب گسترش سیستم تضمین می‌گردد. این قابلیت، نام دیگری از پیشرفت در یک فرایند رشد پایدار است که دوستانی که در محدوده جغرافیایی به فعالیت اشتغال دارند باید به آن برسند.

منظور از تکرار آنچه در پیام‌های قبلی بیان کرده‌ایم تأکید بر این نکته است که چگونه حرکت یک جمعیت، حرکتی ملهم از مقاصد و اصول امر الهی، وقتی دست‌خوش ملاحظات نامربوط نگردد می‌تواند به راحتی گسترش یابد. البته تصور این نیست که مسیری که در فوق به اختصار توصیف گردیده عاری از مشکلات باشد. پیشرفت نتیجه عبور از فراز و نشیب بحران و پیروزی است و برخورد به موانع اجتناب‌ناپذیر است. کاهش در مشارکت، اختلال در ادوار فعالیت‌ها، شکاف موقت در پیوندهای اتحاد از جمله چالش‌های بی‌شماری است که باید احتمالاً با آن روبه‌رو شد. در بسیاری از موارد افزایش منابع انسانی یا توانایی استفاده از خدمات‌شان پاسخگوی نیازهای ترویج سریع نخواهد بود. ولی با تحمیل فرمولی بر این فرایند نیز یک الگوی رشد با توازن مطلوب حاصل نخواهد شد. عدم توازن در پیشرفت فعالیت‌های مختلف جزئی از طبیعت این فرایند است و با صبر و به مرور زمان می‌توان آن را تعدیل نمود. کاهش دادن یک فعالیت در حال شکوفایی بر اساس تصورات نظری در مورد چگونگی حصول رشد متعادل، غالباً نتیجه معکوس به بار می‌آورد. اگرچه ممکن است احبای یک محدوده جغرافیایی از تجارب کسانی بهره‌مند گردند که الگوی لازم برای عمل را در محدوده‌های دیگر پیاده کرده‌اند ولی تنها از طریق مشارکت خودشان در اقدام مستمر و تأمل و مشورت است که می‌آموزند قرائتی از واقعیات اطراف خود داشته باشند، امکانات خویش را تشخیص دهند، از منابع خود استفاده نمایند و به نیازهای ترویج و تحکیم در مقیاس وسیع پاسخ گویند.

۳،۱۱ امروزه حدود ۱،۶۰۰ محدوده جغرافیایی در سراسر جهان وجود دارد که در آن دوستان موفق شده‌اند الگوی عمل برای یک برنامه فشرده رشد را ایجاد نمایند. اگرچه این دست‌آورد مهم است ولی به هیچ وجه نمی‌توان آن را حدّ اعلاّی فرایندی دانست که در هر محدوده شتاب گرفته است. مرزهای جدیدی از یادگیری اکنون به روی دوستان باز شده است و از آنان دعوت می‌شود که قوای خود را وقف ایجاد جوامعی نمایند که پویا و در حال رشد بوده دیدگاه حضرت بهاءالله برای بشریت را بیش از پیش منعکس می‌سازد. این محدوده‌های جغرافیایی هم‌چنین باید منبعی بالقوه از مهاجرینی باشد که بیشتر در میدان مهاجرت داخلی به محدوده‌های جغرافیایی یکی بعد از دیگری اعزام شوند تا در بعضی از این محدوده‌ها اولین اشعه انوار ظهور جمال مبارک را تابان نمایند و در برخی دیگر حضور امر الهی را قوی سازند و کلاً همه را قادر نمایند که به طرف اولین نماد پیشرفت در مسیر توسعه فرایند رشد و یا ورای آن با سرعت پیش روند. با توجه به این نکات، در رمضان سال ۲۰۱۱ از جامعه اسم اعظم دعوت خواهیم نمود که در طی پنج سال آینده تعداد محدوده‌های جغرافیایی را در آن یک برنامه رشد، در هر سطحی از فشردگی، در جریان است به ۵،۰۰۰ یعنی تقریباً معادل یک سوّم تمام محدوده‌های جغرافیایی فعلی موجود در جهان افزایش دهند.

پیشبرد مرزهای یادگیری

۳،۱۲ آنچه در صفحات فوق و در پیام‌های متعدّد در طی پانزده سال اخیر توصیف نموده‌ایم می‌توان به منزله تازه‌ترین رویکرد از یک سلسله رویکردهایی دانست که از بدایت امر تا به حال برای رشد جامعه بهائی اتخاذ شده و هر یک متناسب با اوضاع و احوال تاریخی خاص خود بوده است. این فرایند رشد که به نیروی خلاقه الهی در حرکت است بیش از یک صد و شصت سال پیش با شور و شوق عمیق ناشی از اجابت ندای

یوم جدید ربّ مجید توسط هزاران نفر در مهد امرالله آغاز گردید و با تلاش‌های مؤمنین اولیه برای رساندن پیام حضرت بهاءالله به کشورهای همسایه در شرق و جمعیت‌های پراکنده‌ای در غرب تحرک یافت. با صدور الواح نقشه‌ملکوتی حضرت عبداله‌اء ساختار عظیم‌تری یافت و با استقرار سیستماتیک مهاجرین در سراسر کره‌ارض در تحت هدایات حضرت ولی‌امرالله به منظور تأسیس مراکز کوچکی از فعالیت‌های بهائی و بنای اولین ستون‌های نظم اداری شدت یافت. با اقبال جم غفیری به امر مبارک این فرایند در مناطق روستایی جهان قوت گرفت اما در حالی که احباً در صدد یافتن تدابیری برای تداوم ترویج و تحکیم در مقیاس وسیع برآمدند پیشرفت آن به نحو قابل ملاحظه‌ای کند گردید. سرعت این فرایند در پانزده سال گذشته، بعد از آنکه در آغاز نقشه چهارساله از عالم بهائی دعوت نمودیم که بر اساس تجارب حاصله در طی ده‌ها سال یادگیری دشوار ولی گران‌بها امر تبلیغ را بر پایه‌ای سیستماتیک قرار دهد، مرتباً در حال افزایش بوده است. رویکرد کنونی رشد، با وجود کارآیی آن، پس از اینکه در یک محدوده جغرافیایی قوام گرفت باید باز هم از نظر پیچیدگی و آراستگی تکامل یابد تا "نیروی اجتماع‌سازی" را که در بطن امرالهی نهفته است بیش از پیش نمایان سازد.

۳،۱۳

حضرت ولی‌محبوب امرالله در اشاره به پیشرفت جامعه جهانی بهائی به کرات احباً را تشویق می‌فرمودند که در مقصد خود ثابت قدم بمانند و در مساعی خویش استقامت ورزند. هیکل مبارک با رضایت خاطر از فعالیت احباً می‌فرمایند که "با آگاهی از مسئولیت‌های عالیّه خویش و اعتماد به نیروی اجتماع‌سازی که آیین‌شان دارا است مساعی خود را بی‌هراس و بی‌واهمه برای ایجاد و اکمال وسایل و ابزار لازمه‌ای معطوف می‌دارند که نظم جنینی جهانی حضرت بهاءالله می‌تواند در آن رشد و توسعه یابد." سپس به آنان یادآوری می‌فرمایند که "همین فرایند نامشهود و بطیء سازندگی" است که "تنها امید" بشریتی مایوس و سرگردان می‌باشد.

از آثار حضرت ولی‌امرالله کاملاً روشن است که این فرایند به توسعه و نفوذ خود ادامه خواهد داد و نظم اداری به موقع نشان خواهد داد که "نه تنها قابلیت آن را دارا است که به منزله هسته نظم بدیع الهی محسوب گردد بلکه نمونه کامل آن است." "در جهانی که بنیان مؤسسات سیاسی و اجتماعی‌اش معیوب، بینشش تاریک، وجدانش آشفته و نظام‌های دینیش ضعیف و عاری از فضایل و مناقب است، این عامل شفابخش، این نیروی تقلیب‌کننده، این قوه الفت‌دهنده در غایت جلوه و تأثیر به تدریج در کالبد مؤسسات متبلور می‌شود و نیروهایش را بسیج می‌کند."

آنچه باید بدیهی باشد این است که اگر این نظم اداری قرار است الگویی برای اجتماع آینده باشد پس جامعه‌ای که این الگو در درون آن پرورش می‌یابد نه تنها بایستی توانمندی لازم را کسب نماید تا بتواند به نیازهای مادی و معنوی بیش از پیش پیچیده پاسخ گوید بلکه باید به نحو روزافزونی بزرگ‌تر و گسترده‌تر گردد. چگونه می‌تواند غیر از این باشد. یک جامعه کوچک که اعضای آن به سبب عقاید مشترک‌شان با یکدیگر متحدند، آرمان‌های والا و ویژگی خاص آن است، در اداره امور خویش ماهر و در برآوردن نیازهای خود کارآمد است و احتمالاً به چند طرح بشردوستانه نیز اشتغال دارد — یک چنین جامعه‌ای شکوفا ولی دور از واقعیت‌هایی که توده‌های وسیع بشریت با آن سروکار دارند هرگز نمی‌تواند امیدوار باشد که به منزله الگویی برای تجدید ساختار تمامی جامعه بشری عمل نماید. مایه سرور عمیق این جمع است که جامعه بهائی در سراسر عالم توانسته است از خطرات خودخوشنودی و سهل‌انگاری پرهیزد. جامعه برآستی زمام امور ترویج و تحکیم خود را به خوبی در دست دارد. اما تا یادگیری روش‌های تمشیت امور تعداد فزاینده‌ای از مردم در روستاها و شهرهای مختلف کره زمین و معرفی معیارهای نظم جهانی حضرت بهاءالله به جهانیان هنوز راه درازی در پیش است.

رسیدن به این هدف وظیفه خطیری است که پیش‌گامان فرایند یادگیری باید آن را بپذیرند، فرایندی که پیشرفت آن در طی نقشه آینده ادامه خواهد یافت. هر جا یک برنامه فشرده رشد تأسیس می‌گردد شایسته است که دوستان نهایت سعی و کوشش خود را جهت بالا بردن سطح مشارکت مبذول دارند. به جا است که به شدت تلاش کنند تا سیستمی که با چنین زحمتی به وجود آورده‌اند محدود و درون‌گرا نشود بلکه بیش از پیش گسترش یابد و مردمان بیشتری را در برگیرد. حال که نسبت به توانایی خود در تعامل با مردم از همه طبقات و مکالمه با آنها در باره مقام حضرت بهاء‌الله و ظهور اعظمش اعتماد بیشتری کسب نموده‌اند نباید استعداد روحانی قابل ملاحظه و فراتر از آن، حس اشتیاقی را که در مردم یافته‌اند نادیده بگیرند. و یقین داشته باشند که معرفی مستقیم امر مبارک هنگامی که با عمق کافی صورت گیرد و از طریق رویکرد مناسبی نسبت به تحکیم تقویت گردد می‌تواند نتایج پایدار به بار آورد. به جا است که درس‌های گذشته را فراموش نکنند، درس‌هایی که شکی باقی نگذاشته است که یک گروه نسبتاً کوچک از پشتیبانان فعال امر هر چقدر هم عالم و کاردان و از جان‌گذشته و فداکار باشند قادر نخواهند بود پاسخگوی نیازهای جوامعی باشند که مشتمل بر صدها نفر مرد و زن و کودک است تا چه رسد به هزاران نفر. مقتضیات مسئله کاملاً روشن است. اگر در یک محدوده جغرافیایی تعداد افرادی که مسئولیت ترویج و تحکیم را بر عهده می‌گیرند ده‌ها نفر است و چندصد نفر در فعالیت‌های حیات جامعه مشارکت می‌نمایند هر دو رقم باید به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد به طوری که در پایان نقشه صد یا دویست نفر مشارکت هزار یا دوهزار نفر را تسهیل نمایند.

مایه امیدواری است که در حال حاضر در ۳۰۰ محدوده از ۱،۶۰۰ محدوده جغرافیایی در سراسر عالم با برنامه‌های فشرده رشد، احباً به میدان جدیدی از یادگیری که اکنون به روی آنها گشوده شده است گام

نهاده و در تعدادی نه چندان کم از این محدوده‌ها این یادگیری وسعت بیشتری پیدا کرده است. تقویت فرایندهای آموزشی که توسط مؤسسه آموزشی در همه این قبیل محدوده‌ها، هر یک بر حسب شرایط خود، آغاز گردیده یعنی تشکیل کلاس‌های منظم برای خردسال‌ترین اعضای جامعه، تأسیس گروه‌های به هم وابسته نوجوانان و حلقه‌های مطالعه برای جوانان و بزرگسالان البته حائز اهمیت بسیار است. قسمت اعظم آنچه که لازمه این تقویت می‌باشد در پیام رضوان توضیح داده شده است. در چنین محدوده‌هایی، دوستانی که از نزدیک شاهد اثرات تقلیب‌کننده فرایند مؤسسه آموزشی بوده‌اند بدون استثنا در تلاشند تا درک کامل تری از ویژگی‌های نهفته آن پیدا کنند یعنی روح دوستی و رفاقتی که به وجود می‌آورد، روش مشارکتی که اتخاذ می‌نماید، عمق فهمی که ترویج می‌دهد، خدماتی که توصیه می‌کند و بالاتر از همه اتکای آن به کلام الهی. آنان از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند تا این فرایند بازتابی باشد از آنچه دوره‌های مؤسسه آموزشی به وضوح بر آن تأکید دارد — مکملیت «بودن» و «عمل کردن»، مرکزیت دانش و کاربرد آن، اجتناب از دوگانگی‌های ساختگی، اهمیت حفظ کردن کلام الهی و توجه به بالا بردن سطح آگاهی بدون بیدار کردن نفس اماره.

افزایش قابلیت برای اداره امور

هرچند در محدوده‌های جغرافیایی که پیش‌گام یادگیری هستند عناصر اصلی فرایند رشد تغییر نمی‌کند ولی تنها افزایش تعداد نفرات و فعالیت‌ها مستلزم آن است که طرح‌های سازمان‌دهی به سطحی پیچیده‌تر برسد. ابداعات و نوآوری‌های مختلفی تا به حال بر حسب مقتضیات جغرافیایی و رشد کمی جامعه عرضه گردیده است مانند: تقسیم محدوده جغرافیایی به واحدهای کوچک‌تر، تمرکززدایی در تشکیل جلسات تأمل و بازنگری،

تعیین دستیار برای هماهنگ‌کنندگان مؤسسه آموزشی و اعزام گروه‌هایی از احبای باتجربه برای حمایت از دیگران. این جمع اطمینان کامل دارد که در طی نقشه آینده دارالتبلیغ بین‌المللی با مساعدت ارزنده شما این پیشرفت‌ها را پی‌گیری کرده کمک خواهد نمود تا درس‌های آموخته‌شده در قالب روش‌ها و ابزار آموخته تثبیت گردد. به این منظور، به همت شما و اعضای هیئت معاونت باید جوی به وجود آید که احبای را تشویق نماید تا روش مند باشند ولی نه انعطاف‌ناپذیر، خلاق باشند ولی نه بی‌نظم، قاطع باشند ولی نه عجول، مراقب باشند ولی نه سلطه‌جو، و آگاه باشند که در نهایت، وحدت فکر و اقدام مستمر و اشتیاق به یادگیری است که باعث پیشرفت می‌گردد نه فن و مهارت.

ماهیت ترتیب هماهنگ نمودن فعالیت‌ها در مقیاس وسیع در سطح محدوده جغرافیایی هر چه باشد، تداوم پیشرفت بستگی به رشد محافل روحانی محلی و افزایش قابلیت شوراهای منطقه‌ای بهائی و نهایتاً محافل روحانی ملی خواهد داشت. در پیام رضوان، خرسندی خود را از ملاحظه رشد قابلیت محافل ملی ابراز داشتیم و حال نیز با خوش بینی به پنج سال آینده می‌نگریم و اطمینان داریم که در این راستا شاهد جهش‌های قابل ملاحظه‌ای خواهیم بود. به علاوه تردیدی نداریم که شما به اتفاق محافل ملی قادر خواهید بود به شوراهای منطقه‌ای کمک نمایید تا توانمندی تشکیلاتی خود را افزایش دهند. در حال حاضر ۱۷۰ شورای منطقه‌ای در ۴۵ کشور در سراسر عالم وجود دارد و مطمئناً تعداد آنها در طی نقشه بعدی افزایش خواهد یافت. همه شوراهای منطقه‌ای باید توجهی دقیق به عملیات مؤسسه آموزشی و وظایف لجنات تبلیغ ناحیه‌ای مبذول دارند. در این راستا در خواهند یافت که باید مکانیزم‌هایی را ایجاد و تلطیف نمایند که به پیشبرد الگوی رشد محدوده جغرافیایی و فرایند یادگیری مربوط به آن کمک نماید از قبیل: یک دفتر منطقه‌ای کارآمد که در امور اولیه سازمان‌دهی به منشی کمک نماید، یک سیستم مناسب حساب‌داری که

۳،۱۸

ارسال منابع مالی به محدوده جغرافیایی و بالعکس را از طریق مجاری مختلف ممکن سازد، یک وسیله کارآمد ارتباطات که با واقعیت‌های زندگی در دهکده و محله تناسب داشته باشد، و در صورت اقتضا، یک ساختمان که انجام فعالیت‌های متزاید و متمرکز را تسهیل نماید. آنچه در این راستا قبولش حائز اهمیت می‌باشد این است که چنین مکانیزم‌هایی تنها وقتی مؤثر واقع خواهد شد که شوراهای منطقه‌ای خود با روحیه یادگیری به انجام وظیفه مشغول باشند. در غیر این صورت، مکانیزم‌هایی که به وجود می‌آید اگرچه به صورت ظاهر برای آن است که به یادگیری در حین عمل تعداد فزاینده‌ای از شرکت‌کنندگان در محله‌ها و دهکده‌ها کمک کند ولی ممکن است از طرقی ناملموس اثرات منفی بر یادگیری داشته و به طور ناخواسته امیدهای فزاینده در سطح مردمی را فرونشاند.

۳،۱۹ در حالی که همکاری با محافل روحانی ملی و شوراهای منطقه‌ای یکی از مسائل مهم مورد توجه شما خواهد بود اعضای هیئت معاونت می‌بایستی بیش از پیش نیروی خود را صرف پرورش توانمندی تشکیلاتی در سطح محلی نمایند چه که در این سطح است که نیاز به جامعه‌سازی به وضوح احساس می‌شود. به منظور کمک به اینکه بتوانید وظایف اعضای هیئت معاونت و مساعدین‌شان را در همه جا، به خصوص در محدوده‌های جغرافیایی با برنامه‌های ترویج و تحکیم در مقیاس وسیع، تجسم نمایید از شما می‌خواهیم که اول در باره تکامل محافل روحانی محلی در بسیاری از مناطق روستایی جهان تأمل نمایید، مناطقی که امروزه بخش اعظم چنین محدوده‌هایی را در بر می‌گیرد.

۳،۲۰ همان طور که مطلعید در یک محدوده روستایی که شامل تعدادی ده و شاید یک یا دو شهر کوچک می‌باشد مساعی احبای، در دورانی که الگوی عمل مربوط به یک برنامه فشرده رشد در حال شکل‌گیری است، غالباً منحصر به چند محل می‌باشد. اما همان طور که در پیام رضوان

امسال توضیح داده شده این الگورا بعد از استقرار می توان به سرعت به سایر دهکده ها یکی بعد از دیگری گسترش داد. در هر محل، ابتدا محفل روحانی محلی تأسیس می گردد و تکامل مستمر آن مسیری را طی می کند که به موازات و کاملاً مرتبط با فرایند نوپای رشدی است که در دهکده جریان دارد. رشد محفل محلی را نیز باید مانند دیگر جنبه های این فرایند از زاویه پرورش قابلیت نگریست.

آنچه در وهله اول باید انجام شود نسبتاً واضح است: آگاهی فردی از فرایند رشدی که در دهکده در حال شتاب گیری است و نتیجه اشتغال شخصی هر فرد در فعالیت های اساسی نقشه می باشد بایستی به یک آگاهی جمعی بدل شود که هم ماهیت تقلیب و تغییر در حال وقوع را تشخیص دهد و هم به وظیفه محفل روحانی برای پرورش آن واقف باشد. بدون شک بعضی از وظایف اولیه اداری امری مانند تشکیل جلسات نسبتاً منظم محفل، برگزاری ضیافات نوزده روزه و تدارک بزرگداشت ایام متبرکه، تأسیس یک صندوق محلی و انجام انتخابات سالیانه طبق اصول بهائی، باید مورد توجه قرار گیرد. ولی برای محفل روحانی محلی نباید مشکل باشد که هم زمان با این مساعی و به تشویق یکی از مساعدین اعضای هیئت معاونت در باره یک یا دو مسئله خاص که با حیات جامعه ارتباط نزدیک دارد به مشورت پردازد. مثلاً، چگونه خصلت نیایش در دهکده از طریق مساعی افرادی که اولین دوره مؤسسه آموزشی را به اتمام رسانده اند تقویت می شود؟ چگونه معلمینی که توسط مؤسسه تعلیم داده شده اند به تربیت روحانی کودکان رسیدگی می کنند؟ چگونه استعداد نوجوانان از طریق برنامه توان دهی روحانی شکوفا می شود؟ و چگونه بافت روحانی و اجتماعی جامعه با ملاقات دوستان در منازل یکدیگر تقویت می گردد؟ با مشورت در باره چنین مطالب مشخصی، محفل می آموزد که فرایند رشد را صبورانه و با محبت پرورش دهد و روابطش با لجنه تبلیغ ناحیه ای و با مؤسسه آموزشی بر اساس یک مقصد مشترک مستحکم

۳.۲۱

می گردد. اما از همه مهم تر بنای شالوده ای را آغاز خواهد کرد که بر روی آن می توان آن روابط بسیار صمیمانه و حمایت آمیزی را که محافل روحانی باید با افراد احباً برقرار سازند و حضرت ولی محبوب امر الله آن را در بسیاری از توقعات خود توصیف فرموده اند بنا نمود.

۳.۲۲ واضح است که یادگیری شور و مشورت در باره مسائل خاص مربوط به نقشه جهانی هر قدر مهم و اساسی باشد فقط یکی از ابعاد فرایند ایجاد توانمندی است که محفل روحانی محلی باید به آن اشتغال ورزد. تکامل مستمر محفل روحانی اطاعت از این دستور حضرت عبدالبهاء را ایجاب می نماید که می فرمایند: ”مذاکرات به تمامها محصور در امور روحانی که تعلق به اداره تربیت نفوس و تعلیم اطفال و اعاشه فقرا و اعانه ضعفا جمیع فرق عالم و مهربانی به کل امم و نشر نجات الله و تقدیس کلمه الله باشد.“ پیشرفت پایدار محفل مستلزم تعهد استوار به پیشبرد مصالح جامعه و مراقبت در حفظ فرایند رشد از نفوذ نیروهای انحطاط اخلاقی است که خطر متوقف نمودن آن را دارد. لازمه ترقی مداوم محفل ایجاد حس وسیع تری از مسئولیت است، مسئولیتی که از دایره دوستان و خانواده هایی که به فعالیت های اساسی نقشه اشتغال دارند فراتر رفته تمامی جمعیت دهکده را در بر گیرد. آنچه بلوغ تدریجی محفل را استمرار خواهد بخشید ایمانی راسخ به وعده حضرت عبدالبهاء است که می فرمایند هر محفل روحانی را در کهف حفظ و حمایت خود خواهند گرفت.

۳.۲۳ مسئله دیگری که با این افزایش آگاهی جمعی مرتبط است رشد فزاینده توانایی محفل روحانی در ارزیابی و استفاده صحیح از منابع، اعم از مالی و غیره، هم در حمایت از فعالیت های جامعه و هم در ایفای وظایف اداری خویش است که ممکن است در بعضی موارد شامل انتصاب سنجیده لجنات و استفاده از یک ساختمان ساده نیز باشد. مسئله بسیار مهم دیگر توانایی محفل برای به وجود آوردن محیطی است

که مشوق وحدت در عمل با شرکت تعداد زیادی از افراد باشد و توجه به اینکه انرژی و استعداد این افراد قطعاً کمکی به پیشرفت امور نماید. در همه این موارد، سلامت روحانی جامعه همواره بالاترین اولویت محفل است. و هرگاه مشکلات اجتناب ناپذیری پیش بیاید، چه در ارتباط با بعضی فعالیت‌ها و چه در بین افراد، محفل روحانی به آن رسیدگی خواهد نمود، محفلی که آن‌چنان اعتماد کامل اعضای جامعه را به خود جلب نموده که همه طبعاً برای طلب کمک به آن روی می‌آورند. این بدان معنا است که محفل به تجربه آموخته است چگونه به احباً کمک کند تا از روش‌های تفرقه افکن یک ذهنیت جانب‌گرا احتراز کنند، چگونه بذل اتحاد را حتی در دشوارترین و نامساعدترین شرایط بیابد و آن را تدریجاً و با محبت پرورش دهد و در تمام اوقات به حبل عدالت متمسک باشد.

۳،۲۴

با افزایش تعداد اعضای جامعه و ازدیاد توان‌مندی برای حفظ تحرک و نشاط، همان‌گونه که در گذشته اشاره نمودیم، احباً بیش از پیش به مشارکت در حیات عمومی اجتماع جلب خواهند شد و با این وظیفه مهم روبه‌رو خواهند گشت که به کمک رویکردهایی که ابداع کرده‌اند در حل مسائل پرآمنه و وسیعی که دهکده‌شان با آن مواجه است شرکت نمایند. مسئله انسجام که برای رشدی که تا کنون حاصل شده این چنین ضروری بوده و برای چارچوب عملی در حال تکامل نقشه نیز بسیار مهم است، حال ابعاد جدیدی پیدا می‌کند. محفل روحانی محلی نه در مقام مجری پروژه بلکه در مقام یک مرجع اخلاقی باید مراقب باشد که هم‌چنان که احباً می‌کوشند تا با به کارگرفتن تعالیم بهائی و از طریق فرایند عمل، تأمل و مشورت به اصلاح شرایط بپردازند، لطمه‌ای بر یک‌پارچگی مساعی‌شان وارد نشود.

۳،۲۵

پیام رضوان سال ۲۰۱۰ بعضی از خصوصیات اقدام اجتماعی در سطح مردمی و شرایطی را که باید دارا باشد توصیف نموده است.

مجهودات در یک دهکده معمولاً در مقیاس محدود و شاید از طرف گروه‌های کوچک از دوستانی آغاز می‌گردد که هر یک نیاز اجتماعی یا اقتصادی خاصی را شناسایی کرده و اقدامات مناسب ساده‌ای را دنبال می‌کنند. مشورت در ضیافت نوزده‌روزه فضای مناسبی به وجود می‌آورد تا آگاهی فزاینده اجتماعی جامعه به طریقی سازنده جلوه نماید. صرف نظر از ماهیت فعالیت‌ها، محفل محلی باید مراقب خطرهای بالقوه باشد و در صورت لزوم به احباً کمک نماید که از آنها بگذرند از جمله: فریب پروژه‌های بلندپروازانه که انرژی زیادی را مصرف خواهد کرد و سرانجام حاصلی نخواهد داشت، وسوسه کمک‌های مالی که مستلزم دوری جستن از اصول بهائی خواهد بود، امکانات استفاده از تکنولوژی که به طور فریبنده عرضه می‌شود ولی می‌تواند دهکده را از میراث فرهنگی اش محروم سازد و به چندپارچگی و اختلاف سوق دهد. استحکام فرایند محروم سازی آموزشی در دهکده و افزایش توان‌مندی‌هایی که در افراد پرورش داده است در نهایت ممکن است دوستان را قادر سازد که از روش‌ها و برنامه‌هایی که توسط یکی از سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی به وجود آمده و کارآیی آنها به تجربه ثابت شده و در محدوده جغرافیایی به پیشنهاد و با حمایت دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی به اجرا درآمده است بهره گیرند. به علاوه محفل باید پیام‌وزد که با سازمان‌های اجتماعی و سیاسی محلی تعامل نماید و به تدریج آگاهی نسبت به حضور امر و تأثیری را که بر پیشرفت دهکده می‌گذارد افزایش دهد.

۳،۲۶

آنچه تشریح شد نمونه‌ای از خصوصیات است که محافل روحانی محلی در بسیاری از دهکده‌های جهان به تدریج کسب خواهند نمود و به برآوردن نیازهای جوامعی که رشد کمی روزافزونی دارند کمک خواهند کرد. با ظهور تدریجی قابلیت‌ها و اختیارات نهفته در این محافل، ساکنان هر دهکده اعضای آن را "امناء الرحمن بین الامکان" مشاهده خواهند نمود. بدین سان این محافل "سرج نورانیة و حدایق ملکوتیة" خواهند شد

و”ینتشر منها نفحات القدس علی الآفاق ویشرق منها انوار العرفان علی الامکان ویسری منها روح الحیاة علی کلّ الجهات.“

۳،۲۷

یک چنین بینش ربیعی البتّه در مورد محافل روحانی محلّی در سراسر جهان نیز صادق است. ماهیّت تکامل یک محفل حتّی در یک شهر بزرگ اساساً به همین نحو می باشد. تفاوت ها اصولاً در وسعت و تنوّع جمعیت است. مورد اول یعنی تفاوت در وسعت ایجاب می کند که ناحیه تحت اشراف محفل به اقتضای احتیاجات رشد به چند محله تقسیم شود و در هر یک به تدریج مکانیزم هایی برای رسیدگی به امور امری فراهم گردد. مورد دوم یعنی تنوّع جمعیت مستلزم آن است که محفل علاوه بر فضای جغرافیایی با فضاهاى اجتماعى بی شماری که در آن بخش هایی از جمعیت گردهم می آیند آشنا گردد و تا حدّ امکان حکمت های نهفته در تعالیم را به آنها ارائه دهد. مضافاً، سازمان ها و ساختارهای اجتماعى، سیاسى و یا فرهنگى موجود در یک شهر بزرگ که محفل باید کیفیت تماس با آنها را بیاموزد از نظر تنوّع بسیار وسیع تر و از نظر تعداد به مراتب بیشتر از مناطق روستایی است.

خدمت در مؤسّسات بهائی

با تشریح پیشرفت هایی که مایلیم در طیّ نقشه پنج ساله بعدی در امور اداری امری مشاهده کنیم، هشدارهای مکرر حضرت ولیّ امرالله را به خاطر می آوریم که در توقیعی به زبان انگلیسى می فرمایند: ”باید مراقب باشیم که مبدا با توجه بیش از حدّ به اكمال تشکیلات اداری امری، مقصد الهی از ایجاد آن را از نظر دور داریم.“ هیکل مبارک به طور مکرر فرموده اند که سیستم اداری بهائی ”بایستی به منزله یک وسیله منظور شود و نه اینکه خود به یک هدف“ تبدیل گردد و به وضوح می فرمایند که منظور نظم اداری خدمت به ”مقاصد دوگانه“ است. از یک سو ”باید

۳،۲۸

ترویج مستمرّ و تدریجی“ امرالله را ”از طریقى وسیع، صحیح و جامع هدف قرار دهد“ و از سوی دیگر ”باید تحکیم درونی توفیقات حاصله را موجب گردد.“ در ادامه می فرمایند که ”تشکیلات اداری بهائی باید موجب شود که از طریق آن قوای پویای نهفته در امر الهی ظاهر و متبلور گردد و حیات و رفتار انسان ها را شکل دهد و هم به منزله واسطه ای برای تبادل افکار و هماهنگی فعالیت ها در بین عناصر متنوعی که جامعه بهائی را تشکیل می دهند عمل نماید.“

۳،۲۹ امید و طید این جمع آن است که شما عزیزان در طیّ نقشه بعدی در مساعی خود برای توسعه صحیح و متوازن امور اداری امرالله در تمام سطوح، از محلی تا ملی، نهایت کوشش خود را به کار برید و به احبّ کمک نمایید تا وظایف خود را در بستر فرایند رشد جامعه که به نحوی ارگانیک در سراسر عالم در حال شتاب گرفتن است ایفا نمایند. تحقّق این امید به میزان زیادی بستگی به آن خواهد داشت که کسانی که به انجام چنین خدماتی دعوت شده اند — چه به عضویت محفل روحانی انتخاب گردیده یا به عضویت یکی از دوائر آن منتصب شده باشند، خواه به سمت هماهنگ کننده یک مؤسسه آموزشی برگزیده شده و یا به معاونت شما منصوب شده باشند — تا چه حدّ تشخیص دهند که این انتخاب یا انتصاب افتخار بزرگی است که نصیب آنان شده است و حدّ و مرزهایی را که این موهبت برایشان تعیین می نماید بشناسند.

۳،۳۰ خدمت در مؤسّسات و دوائر امری برآستی موهبتی بس عظیم است ولی نه موهبتی که افراد به دنبال کسب آن باشند بلکه وظیفه و مسئولیتی است که یک فرد ممکن است در هر مقطع زمانی به انجامش دعوت شود. کلیه کسانی که در میادین اداری بهائی به خدمت مشغولند البتّه این احساس را خواهند داشت که افتخار بی نظیری شامل حال شان شده است

زیرا که به نحوی از انحا جزئی از اجزای ساختاری هستند که به منظور سریان روح امرالله در عالم طرح ریزی شده است. اما این افراد نباید تصور نمایند که چنین خدمتی این حق را به آنان می دهد که در حاشیه فرایند یادگیری که همه جا در حال قوت گرفتن است فعالیت نمایند و از انجام مستلزمات طبیعی آن معاف باشند. هم چنین نباید گمان رود که عضویت در هیئت های اداری فرصتی فراهم می سازد که فرد با استفاده از آن بتواند استنباط شخصی خود را از مفاد آثار مقدسه و از نحوه اجرای تعالیم ترویج نماید و جامعه را در جهت اولویت های شخصی خود سوق دهد. حضرت ولی امرالله در یکی از تویعات مبارک به زبان انگلیسی با اشاره به اعضای محافل روحانی می فرمایند که ”باید به کلی خواسته ها و امیال خود و علائق و تمایلات شخصی خویش را نادیده گرفته فکر خود را حصر در اموری نمایند که خیر و صلاح جامعه بهائی را در بر دارد و مصالح عمومی را ترویج می نماید.“ مؤسسات بهائی اختیارات لازم برای هدایت احبا و تأثیرگذاری اخلاقی، روحانی و عقلانی در زندگی افراد و جوامع را دارند. اما این وظایف می بایستی با علم به این نکته انجام شود که خصلت بنیادین هویت تشکیلاتی بهائی همانا روح خدمت صمیمانه است. یک چنین برداشتی از اختیار و تأثیرگذاری ایجاب می کند که کسانی که اداره امور امرالله به آنان واگذار شده از خود فداکاری نشان دهند. مگر نه این است که حضرت عبدالبهاء می فرمایند: ”...آهنی که در کوره آتش افتد صفات حدیدی که سیاهی و برودت و جمودت است و ناسوتیست مخفی و نابود گردد فضایل آتش که احمرار و ذوبان و حرارتست و ملکوتیست در آهن ظاهر و باهر شود.“ مولای حنون هم چنین می فرمایند: ”...شما باید در این مورد یعنی خدمت به عالم انسانی جان فشانی کنید و به جان فشانی شادمانی و کامرانی نمایید.“

*

دوستان عزیز و محبوب: همان طور که به خوبی می دانید قلوب این مشتاقان غرق در سرور است که شما و اعضای هیئت های معاونت با چنین توانایی در پیشاپیش میداین تبلیغ به خدمت مشغولید و وظایف مقدسه خویش را مجری می دارید تا نار موقده محبت الله را در افنده و قلوب مشتعل ساخته یادگیری را ترویج نمایید و همه را در تلاش برای انصاف به اخلاق نیک و شایسته مدد دهید. هنگامی که جامعه بهائی امریکای شمالی در انجام مسئولیت هایی که در الواح نقشه ملکوتی به آن تفویض شده بود اجرای اولین نقشه هفت ساله خود را آغاز نمود حضرت ولی عزیز امرالله بیانیه ای مفصل و مهیمن مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۸ به زبان انگلیسی خطاب به احبای آن سامان صادر فرمودند که بعداً تحت عنوان ظهور عدل الهی منتشر گردید. این تویع منبع ضمن تشریح ماهیت وظایف دوستان، به آنچه هیکل مبارک آن را شرایط روحانی جهت موفقیت در همه اقدامات بهائی توصیف می فرمایند، اشاره می نماید. هیکل انور می فرمایند که سه شرط از این شرایط ”در رتبه اولی و درجه اعلی از اهمیت قرار دارد“: حسن رفتار، تمسک به ذیل عفت و عصمت در حیات فردی و آزادی از قیود تعصبات. با توجه به اوضاع امروز جهان شایسته است که در باره ملاحظات حضرت ولی امرالله و مقتضیات آن در ارتباط با مساعی جهانی جامعه بهائی جهت القای روح امر الهی در هر یک از محدوده های جغرافیایی تأمل و تفکر فرمایید.

حضرت ولی امرالله با اشاره به حسن رفتار از ”عدالت، بی طرفی، صداقت، درست کاری، انصاف، قابل اعتماد بودن، و امانت“ نام می برند که می باید ”در همه شئون و احوال ما به الامتياز حیات جامعه بهائی باشد“ و تأکید می فرمایند که هر چند این ضروریات مربوط به همه اعضای جامعه است اما در درجه اول متوجه ”نمایندگان منتخب ایشان اعم از محلی و منطقه ای و ملی“ می باشد، نمایندگانی که علو اخلاقیشان باید با ”اثرات مخرب و مایوس کننده ای که بازتابی چشم گیر از یک حیات

سیاسی پرفساد است“، در تضادی آشکار باشد. هیکل مبارک خواهان “تمسکی دائم و خلل ناپذیر به جبل عدالت“ در “جهانی که به نحو غربی آشفته و بی نظم“ است می باشند و با نقل قول مکرر از آثار مبارکه جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء توجه احباً را به موازین عالی صداقت و امانت جلب می فرمایند. از احباً می خواهند که در همه جنبه های حیات خود — در معاملات تجاری، در حیات خانواده، در کلیه مشاغل، در همه خدمات امری و خدمت به مردم — به حسن رفتار مزین باشند و با پیروی قاطع از احکام و اصول امر مبارک الزامات آن را رعایت نمایند. حیات سیاسی در سال های بعد از صدور این بیان مبارک به وضوح در همه جا به نحو وحشتناکی رو به زوال بوده چنانچه مفهوم سیاست مداری عاری از معنا شده، سیاست گذاری به اسم ترقی و پیشرفت در خدمت منافع اقتصادی عده معدودی درآمده و اجازه داده شده است که تزویر و ریا موجب تضعیف کارساختارهای اجتماعی و اقتصادی گردد. اگر در آن زمان رعایت موازین عالی بهائی توسط احباً مستلزم سعی و کوشش بسیار بود امروزه در جهانی که تقلب را ارج می نهد، فساد را تشویق می کند و حقیقت را کالایی قابل معامله می داند، چقدر باید این تلاش شدیدتر باشد. پریشانی و اغتشاشی که بنیان اجتماع را تهدید می کند بس عظیم است و اراده همه کسانی که به فعالیت های امری مشغولند باید آنچنان محکم و قوی باشد که مبادا کوچک ترین شائبه منافع شخصی بر قضاوت شان سایه افکند. سزاوار است که هماهنگ کنندگان هر مؤسسه آموزشی، اعضای هر لجنه تبلیغ ناحیه ای، هر یک از اعضای هیئت معاونت و فرد مساعدین شان و تمام اعضای هر نهاد امری محلی، منطقه ای و ملی، اعم از انتخابی و انتصابی، اهمیت نصایح حضرت ولی عزیز امرالله را درک نمایند و در قلب خود در باره مقتضیات شایستگی اخلاقی که هیکل مبارک با چنان صراحتی تشریح فرموده اند تأمل و تعمق

نمایند تا سلوک و رفتارشان برای بشر خسته و مبتلا، یادآوری از شرافت ذاتی و سرنوشت عظیمی که در انتظار اوست باشد.

بیانات صریح حضرت ولی امرالله در باره اهمیت عفت و عصمت در ۳،۳۳ حیات فردی و “مقتضیات آن از میانه روی، پاک دامنی، خویشستن داری، نجابت و پاک اندیشی“ امروز نیز به همان اندازه برای موفقیت مشروعات بهائی لازم است. هیکل مبارک با لحنی واضح احباً را به حیاتی پاک و طاهر فرا می خواند، حیاتی منزّه از “اعمال نادرست، فسق و فجور و شئون و موازین کاذبه ای که یک معیار ذاتاً نارسای اخلاقی آن را تأیید، تقویت و تشدید می نماید.“ نیازی نیست که در این صفحات شواهدی از تأثیراتی که این ضوابط منحط هم اکنون بر جامعه بشری اعمال می کند و حتی دورافتاده ترین نقاط کره ارض فریفته و مسحور آن است ارائه دهیم ولی لازم می دانیم که به چند نکته راجع به مسئله خلوص و پاکی اشاره نماییم. قوای مخرب و اثرگذار بر قلوب و اذهان جوانان — کسانی که حضرت ولی امرالله مشتاقانه آنان را مخاطب قرار داده اند — برآستی مهلک و خطرناک است. پند و اندرز در رعایت پاکی و عصمت تنها به میزان محدودی می تواند به آنان کمک کند تا در مقابل این قوا مقاومت نمایند. نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که افکار جوانان تا چه حد تحت تأثیر گزینه هایی است که والدین در زندگی خود اتخاذ می کنند، گزینه هایی که هرچند غیر عمدی و معصومانه، امیال دنیوی را مانند ستایش قدرت، پرستش مقام و منزلت، عشق به تجملات، دل بستگی به امور سطحی و بیهوده، ستودن خشونت و اعتیاد به لذت جویی را به طور ضمنی قبول می نماید. این واقعیت را باید قبول کرد که انزوا، یأس و ناامیدی که بسیاری از آن رنج می برند زائیده محیطی است که ماده گرایی فراگیری بر آن حاکم باشد. و در این راستا است که احباً باید عواقب این بیان حضرت بهاءالله را درک نمایند که می فرمایند “بساط عالم“ باید “جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد.“ جوانان امروز در سراسر عالم جزو

پرشورترین حامیان نقشه و غیورترین قهرمانان امرالهی می باشند و مطمئناً تعدادشان سال به سال افزایش خواهد یافت. انشاءالله که هر یک از آنان مواهب یک زندگی مزین به پاکی و تقوا را تجربه نمایند و بیاموزند تا از قوایی مددگیرند که در مجاری پاک جریان می یابد.

۳,۳۴

حضرت ولی امرالله سپس به موضوع تعصب پرداخته به وضوح می فرمایند که ”هرگونه افتراق و انشقاق“ در صف پیروان امر مبارک ”مغایر با مقاصد و اصول و آمال این آیین نازنین است.“ آن حضرت کاملاً روشن می سازند که احباً باید مظاهر ”آزادی کامل از قید تعصبات در رفتار با مردم از نژادها، طبقات، عقاید و الوان گوناگون“ باشند. آنگاه مفصلاً به بحث در مورد مسئله خاص تعصب نژادی که ”اثرات فرساینده اش“ به فرموده مبارک، ”تاروپود جامعه امریکا را تحت تأثیر و تمامی ساختار اجتماعی آن را مورد حمله قرار داده است“ می پردازند و در آن زمان می فرمایند که این مسئله ”باید حیاتی ترین و خطرناکترین مسئله ای تلقی گردد که جامعه بهائی در مرحله کنونی تکامل خود با آن مواجه است.“ قطع نظر از قوت و ضعف تدابیری که در رویارویی با این چالش خاص توسط ملت امریکا و جامعه بهائی در حال تکامل آن اتخاذ گردیده، واقعیت این است که تعصبات از هر قسم و نوع — نژادی، طبقاتی، قومی، جنسی و مذهبی — هم چنان بر جامعه بشری سیطره دارد. اگرچه البته گام های بزرگی در عرصه گفتمان عمومی در رد آکاذیبی که موجب بروز انواع تعصب می گردد برداشته شده است ولی تعصبات هنوز در ساختارهای اجتماع رخنه دارد و به طور سیستماتیک بر افراد اثر می گذارد. بر همه باید روشن باشد که هدف فرایندی که سلسله نقشه های جهانی کنونی آن را به پیش می برد این است که با رویکردهایی که دنبال می کند و روش هایی که به کار می برد در مردم جهان از هر گروهی، بدون توجه به طبقه یا پیشینه مذهبی و بدون در نظر گرفتن قوم یا نژاد و صرف نظر از جنسیت یا موقعیت اجتماعی، قابلیت ایجاد نماید تا به پا خیزند و به پیشبرد تمدن بشری

کمک نمایند. دعای این مشتاقان آن است که هم چنان که این فرایند مستمراً بسط می یابد امکانات بالقوه اش برای ناتوان ساختن ابزاری که نوع بشر در طی دوران طولانی طفولیت خود برای ظلم و ستم یک گروه علیه گروهی دیگر تعبیه نموده تحقّق یابد.

۳,۳۵

فرایند تعلیم و تربیت مؤسسات آموزشی البته به پرورش آن شرایط روحانی که حضرت ولی امرالله در توفیق ظهور عدل الهی به آن اشاره فرموده اند و نیز بسیاری از شرایط دیگری که در آثار امری مذکور است کمک می نماید، شرایطی که بایستی حیات جامعه بهائی را ممتاز سازد از جمله: روح اتحاد که باید حیات بخش احباً باشد، پیوندهای عشق و محبت که باید هم بستگی آنان را موجب شود، ثبوت در عهد و میثاق که باید حامی و پشتیبان آنان باشد و توکل و اعتمادی که باید به تأییدات الهی داشته باشند. قابل توجه خاص است که این صفات ضروری در چارچوب ایجاد توانمندی برای خدمت و در محیطی پرورش می یابد که اقدام سیستماتیک را ترویج می نماید. برای ایجاد و گسترش چنین محیطی اعضای هیئت معاونت و مساعدین شان باید به اهمیت دو قاعده اساسی و مرتبط آگاه باشند. از یک طرف، موازین عالی اخلاقی که این ظهور اعظم تعیین فرموده هیچ گونه مصالحه و تبانی را نمی پذیرد، به هیچ وجه نمی توان آن را تقلیل داد و همگی باید به علو و عظمت آن چشم دوزند. از طرف دیگر، باید اذعان نمود که ما در رتبه انسانی با داشتن یک زندگی بدون عیب و نقص فاصله زیادی داریم و آنچه که از هر فرد انتظار می رود تلاش صادقانه روزانه است. از خود راضی بودن صفتی است که باید از آن احتراز نمود.

*

به غیر از مستلزمات روحانی یک زندگی منزّه بهائی، عادت به شیوه‌هایی از تفکر نیز در بسط نقشه‌های جهانی مؤثر است. این عادات باید پرورش و گسترش یابد تا جزئی از فرهنگ جامعه گردد. گرایش‌هایی نیز وجود دارد که به تدریج باید بر آنها غلبه نمود. بسیاری از این گرایش‌ها تحت تأثیر رویکردهای رایج در اجتماع تقویت می‌گردد و راه‌یابی آن به فعالیت‌های بهائی نیز خارج از تصور نیست. ابعاد و وسعت چالشی که یاران حضرت رحمان در این مورد با آن رو به رو هستند از نظر این مشتاقان پنهان نیست زیرا باید بیش از پیش در حیات اجتماع مشارکت نمایند، از برنامه‌های آموزشی آن بهره‌گیرند، در امور حرفه‌ای و تجاری آن به حدّ کمال رسند، بیاموزند که ابزار آن را به خوبی به کار گیرند و در پیشبرد علم و هنر آن کوشا باشند و در عین حال هرگز از هدف امر الهی یعنی ایجاد تقلیب روحانی در جامعه و تجدید ماهیت نهادها و فرایندهای آن به مقیاسی بی‌سابقه غافل نگردند. برای نیل به این هدف، احبای عزیز باید از نارسایی شیوه‌های رایج کنونی در تفکر و در انجام امور کاملاً آگاه باشند و این آگاهی نباید به هیچ وجه موجب احساس خودبرتربینی، بی‌تفاوتی، کناره‌گیری و یا اتخاذ موضع انتقادی مفرط نسبت به اجتماع گردد. چند نکته مخصوص راجع به این عادات و گرایش‌ها را مایلیم بیان نمایم.

اطلاع از اینکه دوستان عزیز مطالعه پیام‌های بیت العدل اعظم راجع به نقشه را با چنان سعی و دقت فراوانی دنبال می‌کنند موجب مسرت قلبی است. میزان مذاکرات و تبادل نظرهای معمول برای به مرحله عمل درآوردن هدایات مندرج در آن و یادگیری از تجارب، چشم‌گیر است. اما این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که در مناطقی که احبای می‌کوشند تا تمامیت بینش و مقاصد ارائه شده را درک نمایند موفقیت‌ها پایدارتر است ولی هنگامی که عبارات و جملات خارج از بستر خود به صورت مطالب جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود غالباً مشکلاتی بروز می‌نماید. مؤسسات و نهادهای امری باید به احبای کمک نمایند تا مطالب را تجزیه

و تحلیل کنند ولی تقلیل ندهند، در مفاهیم تأمل نمایند ولی بر نفس کلمات پافشاری نکنند، لزوم اقدامات در زمینه‌های مختلف را قبول نمایند ولی از تقسیم‌بندی و انفکاک اقدامات بپرهیزند. ما واقفیم که این وظیفه کوچکی نیست. اجتماع روز به روز بیشتر با استفاده از شعار سخن می‌گوید. امیدواریم که عادت کار کردن با افکار کلی و پیچیده و کسب آگاهی که دوستان در حلقه‌های مطالعه به آن خو می‌گیرند به فعالیت‌های گوناگون تعمیم یابد.

گرایش به دوگانه‌بینی با عادت تقلیل دادن یک موضوع کلی به یک یا دو عبارت جالب و جذاب، ارتباط نزدیکی دارد. بسیار اساسی است که نظریاتی را که هر یک جزئی از یک مجموعه مفاهیم منسجم است در تضاد با یکدیگر قرار ندهیم. حضرت ولی‌الله در نامه‌ای که از طرف ایشان به انگلیسی مرقوم شده هشدار می‌دهند که: "ما باید تعالیم را یک کلیت عظیم و متوازن بدانیم و سعی نکنیم که دو بیان محکم با معانی مختلف را جستجو و ضد هم دیگر جلوه دهیم. پیوندهایی در میان این دو وجود دارد که آنها را به یکدیگر متصل می‌سازد." ملاحظه اینکه با افزایش درک تمهیدات و نیازهای نقشه بسیاری از سوء تفاهمات گذشته برطرف شده موجب دل‌گرمی این جمع گردیده است. ارتباط متوازن بین عناصر حیات بهائی از قبیل ترویج و تحکیم، اقدامات فردی و فعالیت‌های جمعی، تهذیب اخلاق و تعهد به خدمت خالصانه اکنون به آسانی مورد قبول است. هم‌چنین خشنودیم که احبای مراقبند مبادا دوگانگی‌های کاذب تازه‌ای بر افکارشان مسلط گردد زیرا به خوبی آگاهند که عناصر متنوع یک برنامه رشد مکمل یکدیگر هستند. جامعه بهائی از این تضادگرایی متداول در اجتماع اجتناب می‌ورزد، گرایشی که فعالیت‌های مختلف را در رقابت می‌بیند و نهادهایی که آن فعالیت‌ها را حمایت می‌کنند نیز رقیب یکدیگر مشاهده می‌نماید.

و بالأخره یک پیشرفت در فرهنگ جامعه که با علاقه خاص آن را دنبال کرده ایم افزایش توانمندی در راه فراینداندیشی می باشد. از مطالعه دقیق حتی نخستین مکاتبات حضرت ولی امرالله در باره اولین نقشه های ملی امرالله روشن می گردد که از ابتدا به احباً توصیه شده است که همواره از فرایندهای وسیعی که وظایف آنان را توصیف می کند آگاه باشند. اما در دنیایی که بیش از پیش به ترویج رویدادها و یا نهایتاً به ترویج پروژه ها توجه می نماید و ذهنیتی دارد که از توقعات و هیجانات حاصله از آن رضایت خاطر حاصل می کند، حفظ تعهد به اقدامات درازمدت مستلزم تلاش زیادی است. ترویج و تحکیم جامعه بهائی شامل تعدادی فرایندهای متعامل است که هر یک سهم خود را در پیشرفت نوع بشر به سوی بینش حضرت بهاءالله در مورد یک نظم بدیع جهانی ادا می نماید. خطوط عملی مربوط به هر یک از این فرایندها، فرصت هایی برای برگزاری رویدادهای گاه به گاه به وجود می آورد و بعضی اوقات، فعالیت ها در قالب یک پروژه با آغاز و پایان مشخص انجام می شود. اما اگر رویدادهایی به بسط طبیعی یک فرایند تحمیل گردد پیشرفت و تکامل استوار آن را برهم خواهد زد و اگر پروژه های در دست اجرا در یک محدوده جغرافیایی تابع نیازهای آشکار فرایندهای محل نباشد ثمرات چندانی به بار نخواهد آورد.

درک ماهیت فرایندهای متعاملی که جمعاً ترویج و تحکیم امرالله را موجب می گردند برای اجرای موفقیت آمیز نقشه امری حیاتی است. به شما و اعضای هیئت معاونت توصیه می شود که در تلاش خود برای پیشبرد چنین درکی، مفهومی را که در شالوده مشروع جهانی جاری و در واقع در قلب هر مرحله از مراحل نقشه ملکوتی قرار دارد در نظر داشته باشید و آن مفهوم این است که پیشرفت از طریق توسعه سه شرکت کننده نقشه — افراد، مؤسسات و جامعه — حاصل می شود. در سراسر تاریخ بشر، تعامل بین این سه عامل همیشه با مشکلات همراه بوده است. فرد فغان آزادی خواهی به پا می کند، مؤسسات خواستار فرمان برداری هستند

و جامعه مدعی اولویت می باشد. هر اجتماعی روابط پیونددهنده این سه عامل را به نوعی تعیین نموده و دوره هایی از ثبات و آشوب داشته است. امروزه در این عصرانتقال در حالی که بشریت در تلاش برای رسیدن به بلوغ جمعی خود می باشد، نه تنها این روابط، بلکه مفهوم فرد، مفهوم مؤسسات اجتماعی و مفهوم جامعه در معرض هجوم بحران های بی شمار است. بحران مرجعیت در سراسر جهان، خود دلیل کافی بر این ادعا است. سوء استفاده از قدرت مرجعیت آن چنان دردناک و بیزاری و سوء ظن حاصله در حال حاضر آن چنان عمیق است که جهان روز به روز بیشتر لگام گسیخته و غیر قابل اداره می گردد، وضعی که سست شدن پیوندها در سطح جامعه آن را بسیار وخیم تر نموده است.

۳۴۱ پیروان اسم اعظم همگی به خوبی می دانند که منظور از این ظهور اعظم ایجاد یک خلق جدید است. "...اول کلمه خرجت من فمه و اول نداء ارتفع منه بمشیتک و ارادتک انقلبت الاشیاء کلها و السماء و ما فیها و الارض و من علیها...." افراد، مؤسسات و جامعه، سه شرکت کننده نقشه ملکوتی، تحت تأثیر مستقیم قوای خلافت ظهور حضرت بهاءالله در حال تقلیب هستند و مفهومی جدید از هر یک، متناسب با نیاز بشری که به مرحله بلوغ خود نزدیک می شود، در حال بروز است. روابطی که این سه شرکت کننده را به هم پیوند می دهد نیز در حال تحوّل عمیق می باشد و قوای تمدن سازی به عرصه وجود می آید که تنها با پیروی از تعالیم مبارک ایجاد می شود. خصایص مشخصه این روابط، همکاری و وابستگی متقابل که نمایانگر هم بستگی همه جانبه حاکم بر عالم خلقت است می باشد. به این ترتیب فرد بدون توجه به "منافع ذاتیه و فوائد شخصیّه"، خود را "چون افراد بندگان غنی مطلق" می شمرد و تنها آرزویش اجرای احکام او است. به این ترتیب احبای عزیز درمی یابند که "عواطف و احساسات فراوان و حسن نیت و کوشش بسیار" اگر در مجاری صحیح جریان نیابد، فواید محدودی خواهد داشت، "آزادی بی قید و بند فردی باید با مشورت

دو طرفه و فداکاری تعدیل گردد، و روحیه ابتکار و عمل باید با درکی عمیق تر از ضرورت هماهنگی اقدامات و تعهدی کامل تر نسبت به خیر و مصلحت عموم، تقویت گردد. و بدین ترتیب همگی می توانند میادین فعالیت را که فرد می تواند از آن طریق به بهترین وجه ابتکار شخصی خود را نشان دهد از کارهایی که فقط مربوط به مؤسسات امری است به آسانی تشخیص دهند. همان طور که حضرت عبدالبهاء می فرماید احباً "به جان و دل" اوامر مؤسسات شان را اطاعت می کنند تا "امور انتظام یابد و ترتیبی حاصل کند." البته این اطاعت، کورکورانه نیست بلکه اطاعتی است که حاکی از ظهور بلوغ نوع انسان است، انسانی که به مقتضیات یک نظام به وسعت و عظمت نظم بدیع جهانی حضرت بهاء الله پی برده است.

و کسانی که از بین این چنین نفوس مشتعلی برای خدمت در مؤسسات آن نظم عظیم دعوت می شوند به خوبی بیانات حضرت ولی امر الله را درک می کنند که می فرمایند: "وظیفه اعضای محافل فرمان دادن نیست بلکه مشورت است، مشورت نه تنها در بین خودشان بلکه تا حد امکان با احبایی که نمایندگی آنها را بر عهده دارند." آنان "هرگز" نباید چنین "گمان کنند که زینت اصلی پیکر امر الهی هستند و از نظر توانایی و شایستگی ذاتاً بر دیگران برتری دارند و یا تنها مروجین تعالیم و اصول این امر اعظم می باشند." "در نهایت تواضع" به وظایف خود پردازند و "با سعه صدر، حس عدالت و انجام وظیفه، خلوص، افتادگی، پای بندی کامل به رفاه و منافع احباً و امر الهی و بشریت بکوشند تا نه تنها شایسته اطمینان و حمایت و احترام، بلکه تحسین و محبت واقعی کسانی گردند که افتخار خدمت به آنان را دارند." در چنین جوی، مؤسساتی که به آنها قدرت و اختیارات اعطا شده خود را ابزاری برای پرورش استعداد های مکنون بشری و شکوفایی این استعدادها در مسیری خلاق و شایسته می شمرند.

۳،۴۲

جامعه اسم اعظم، متشکل از چنین افراد و چنین مؤسساتی، عرصه ای آن چنان مشحون از گرایش های روحانی می گردد که در آن قوا از طریق وحدت در عمل به چندین برابر فزونی می یابد. در باره این چنین جامعه ای است که حضرت عبدالبهاء می فرماید: "اگر نفوسی مؤمن حقیقی شوند ارتباط روحانی یابند و مظهر محبت رحمانی گردند و کل سرمست جام محبت الله شوند البته آن اتحاد و ارتباط نیز ابدیست. یعنی نفوسی که از خود بگذرند و از نقایص عالم بشری تجرد یابند و از قیود ناسوتی منصرف گردند البته پرتوانوار وحدت الهی بتابد و جمیع در عالم ابدی وحدت حقیقی یابند."

با اقبال تعداد روزافزونی از نفوس مستعدّه به امر الهی و پیوستن آنان به دیگر خادمین و شرکت کنندگان مشروع جهانی جاری، فعالیت ها و تکامل افراد، مؤسسات و جامعه مطمئناً با جهشی چشم گیر به پیش خواهد رفت. امید چنان است که در روابطی که پیروان اسم اعظم در بین این سه عامل پرورش و گسترش می دهند، بشر سرگردان الگویی برای حیات جمعی بیابد که او را به سوی سرنوشت متعالی خود سوق دهد. در اعتبار مقدسه علیا برای تحقق این امید صمیمانه دعا می کنیم.

[امضا: بیت العدل اعظم]

ترجمه‌ای از
پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان
(از: مرکز جهانی بهائی)

۱ ژانویه ۲۰۱۱

دوستان عزیز و محبوب،

۴،۱ در پنج روز گذشته مشاورین قاره‌ای در کنفرانس خود در ارض اقدس با بصیرت و بینشی روشن در باره پیشرفت نقشه ملکوتی به تأمل و تعمق و مشورتی هشیارانه و هدف‌مند مشغول بوده‌اند. سرور و اعجاب این گردهم‌آیی که اکنون به لحظات پایانی خود نزدیک می‌شود منبعث از بازگویی‌های شفاف‌انگیز و سرزنده اقدامات متعدد و برجسته شما خادمان امر جمال اقدس ابهی بود، اقداماتی که به نحوی شگفت‌آور نیل به اهداف نقشه پنج‌ساله را یک سال زودتر از موعد مقرر میسر ساخت. شرح محبتی که در این مدت کوتاه نسبت به شما رهروان مسیر خدمت ابراز شده به آسانی در قالب الفاظ ننگنجد. سپاس بی‌پایان به آستان خداوند منان می‌گزاریم که چنین جامعه‌قابلی را به ید عنایتش پرورش داده و دست شکرانه به درگاه حضرت بی‌نیاز بلند می‌کنیم که استعداد‌های شگرف آن عزیزان را شکوفا ساخته است. شما یید آن جنود حیات و سپاه نجات که چه در تلاش‌های جمعی و چه در مساعی فردی، حقایق این امر اعظم را به عالمیان عرضه می‌نمایید و نفوس را در راه رسیدن به سرچشمه عرفان جمال اقدس ابهی یاری می‌دهید. شما یید آن فارسان مضمار وفا که ده‌ها هزار نفر از شما در مقام راهنمایان حلقه‌های مطالعه، هر کجا شعله استعداد

و آمادگی بدرخشید به خدمت مشغولید. شما باید آن منجذبان جمال کبریا که با از خودگذشتگی به تعلیم و تربیت روحانی کودکان و دوستی مشفقانه با نوجوانان می پردازید. شما باید آن نسایم روح بخش که با دیدار در منازل دیگران و دعوت افراد به منازل خود پیوندهای روحانی را مستحکم ساخته همبستگی و انسجام بیشتر جامعه را موجب می شوید. شما باید آن مظاهر صدق و صفا که هرگاه به خدمت در مؤسّسات و نهادهای امری دعوت می شوید دیگران را همراهی می نماید و از موقّعیّت های آنان غرق سرور و شادی می شوید. و این همگی ما، جمع اهل بها و بندگان درگاه کبریا هستیم که سهم مان در این وظیفه روحانی هر چه باشد، با امید و اائق و عزمی راسخ و قلبی مبتهل، برای تسریع تقلیب روحانی عالم انسانی که هدف اعلاّی ظهور حضرت بهاءالله است به جدّ و جهد مشغولیم.

۴،۲

طلیعه یک دوره پنج ساله جدید سرشار از شگفتی های بدیع هم اکنون نمودار است. خصوصیات نقشه ای که در این رضوان آغاز خواهد شد در پیامی که به کنفرانس مشاورین در جلسه افتتاحیه آن ابلاغ نمودیم و همان روز به محافل روحانی ملّی عالم ارسال گردید ترسیم شده است. امیدواریم که شما عزیزان موقّع شوید مندرجات آن را به همراه پیام رضوان ۲۰۱۰ در جلسات مختلف — در سطح ملّی، منطقه ای یا محدوده جغرافیایی، در جوامع محلّی، در محله ها و دهکده ها و یا در منازل — به دقت مطالعه نمایید. اطمینان داریم که با مشارکت در مشورت های مختلف در باره نقشه، درک عمیق تری از آن کسب خواهید نمود و با آگاهی از قوای روحانیّه ای که حامی و پشتیبان شما است، عزم خود را جزم کرده اجرای این مشروع جهانی را وجهه همّت خود ساخته مسئولیت شخصی خویش خواهید شمرد و در جهت سعادت عالم انسانی آن گونه تلاش خواهید کرد که در راه رفاه عزیزان خود می کوشید. موجب سرور موفور این مشتاقان است که فوج عظیمی از نفوس در سراسر عالم بهائی آماده اند تا به این چنین موهبتی فائز گردند اما آنچه بیش از این موجب خرسندی

این جمع می گردد آن است که به یقین مبین می دانیم که ظرف پنج سال آینده پیروزی هایی به دست جوانان و بزرگسالان، زنان و مردانی حاصل خواهد شد که چه بسا در حال حاضر از ظهور حضرت بهاءالله به کلی بی اطلاعند و از "نیروی اجتماع سازی" امر مبارکش بی خبرند زیرا شما وسیله ای مؤثّر و قدرت مند برای توان دهی روحانی به توده های بشری در اختیار دارید که آنها را قادر می سازد تا زمام سرنوشت خود را در دست گیرند، وسیله ای که در بوته تجربه گذاخته شده است. شما عزیزان البتّه به صلاّی مهمین حضرت بهاءالله نیز واقفید و آن را به گوش دل و جان شنیده اید که می فرمایند: "منم آفتاب بینش و دریای دانش. پژمردگان را تازه نمایم و مردگان را زنده کنم. منم آن روشنایی که راه دیده بنمایم و منم شاهباز دست بی نیاز پر بستگان را بگشایم و پرواز بیاموزم."

۴،۳

در ادعیه خود به یاد فرد فرد شما عزیزان هستیم.

[امضا: بیت العدل اعظم]

۱ شهرالبهاء ۱۶۸

۱ فروردین ۱۳۹۰

ستاینندگان اسم اعظم در مهد امرالله ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز و باوفا،

۵.۱ فرارسیدن نوروز باستانی، جشن فرخنده ایرانی، پایان ایام مبارک صیام و حلول سال نور ما مغتنم شمرده اشواق قلبیه خود را به فرد فرد شما عزیزان، بندگان حضرت رحمان و از طریق شما به تمامی ملت شریف ایران ابلاغ می‌داریم.

۵.۲ از جمله سنن معمول در بین ملل آن است که روزی را برای شادمانی عمومی تعیین می‌نمایند، در نهایت سرور و حبور به ملاقات یکدیگر می‌پردازند و به آشتی و محبت روی می‌آورند. نوروز یادآور شکوه و عظمت ایران باستان و نمادی از بزرگی و فخر دیرین این ملت نازنین است. این سنت پسندیده فرصتی است برای مسرت همگانی، شفقت و مهربانی، به دور افکندن کینه و دشمنی و نوشدن درونی و برونی. ایرانیان از دیرباز این روز پیروز را فرخنده و مبارک شمرده آن را تقدیس و تکریم کرده و به شادی و سرور پرداخته‌اند. بهائیان عالم نیز از هر قوم و نژاد در بیش از ۲۰۰ مملکت و سرزمین این روز پرشکوه را با همان نام زیبای "نوروز" جشن می‌گیرند و بر طبق نصایح حضرت عبدالبهاء می‌کوشند که ثمره چنین روز خجسته‌ای تنها "محضور در سرور و شادمانی" نماند بلکه سرآغاز اقداماتی شایان در جهت خیر و رفاه همگان باشد.

۵.۳ سالی که گذشت شاهد استمرار تزییقات و ادامه شداید و ستم‌های ناروا بر شما عزیزان درگاه کبریا بود. مرتکبین اصلی این ظلم و ستم برآستی کسانی هستند که اهریمن جهل و تعصب روح و قلب‌شان را تسخیر نموده و آنان را از نیکی و بزرگ‌منشی بازداشته است به طوری که عامل خشونت و

شقاوت نسبت به هم نوع گشته و خود را از الطاف الهی محروم ساخته‌اند. عدّه دیگری از هم‌وطنان شما نیز در حالی که به بی‌گناهی شما معترف و قلباً مایلند که عدالت را در حق شما مجری دارند به علت جوّ امنیتی موجود دستورات رؤسای خود را با آکراه اجرا می‌کنند و در این ظلم و ستم سهیم می‌شوند.

۵.۴

سپاس پروردگار یکتا را که در همین سال چه در داخل و چه در خارج، شاهد هم‌بستگی جمع بی‌شماری از ایرانیان شریف و روشن ضمیر بودید. ندای سازمان‌های مدنی ملی و بین‌المللی را در حمایت از آزادی و شرافت انسانی خویش شنیدید، از صدور قطع‌نامه‌ها و بیانیه‌های متعدّد در مجالس ملی و بین‌المللی در دفاع از حقوق حقّه خود مطلع شدید و با پایداری و استقامت آرام و سازنده خود تحسین و ستایش جهانیان را جلب نمودید. برادران و خواهران روحانی شما نیز در سراسر عالم با الهام گرفتن از خدمات و فداکاری‌های شما با عزمی راسخ و روحی مصمّم در میادین خدمت به پیش رفتند و همواره در دعا و مناجات به آستان حضرت یزدان به یاد شما عزیزان بودند.

۵.۵

موجب مسرت این مشتاقان است که از مطالعه پیام رضوان ۱۶۷ بدیع و تأمل در موقّیّت مجهودات پیروان جمال اقدس ابھی در سراسر جهان در اجرای نقشه پنج‌ساله و یادگیری طرق کمک به افزایش توانمندی معنوی مردم برای به عهده گرفتن مسؤلیّت پیشرفت روحانی، اجتماعی و عقلانی خود بهره‌افر بردید و هم‌چنان که در پیام مزبور آمده است به ایفای نقش خود در این مشروع ملکوتی به نحو احسن ادامه دادید. مرحله بعدی مشروع عظیمی که جامعه بهائی عالم به آن اشتغال دارد در رضوان ۱۶۸ آغاز خواهد شد. پیام مورّخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ این جمع خطاب به مشاورین محترم قاره‌ای تمهیدات نقشه را توضیح داده است. بهائیان در سراسر گیتی با اشتیاق به کسب موقّیّت‌هایی شایان در اجرای نقشه جدید

چشم دوخته‌اند و فرد فرد شما عزیزان نیز از پیرو جوان با جدّیت کامل و تا جایی که اوضاع اجتماعی اجازه دهد، چه از طریق انجام فرایض روحانی فردی و چه با استفاده از دیگر امکانات موجود، در راه خدمت کوشا خواهید بود.

۵.۶

عالم در هیجان است و سیل خروشان تحولات با سرعت و قوّتی بی‌سابقه در جریان. نظم و ترتیب دیرینه عالم دست‌خوش تزلزل گشته و دگرگونی‌های شگرفی که در روابط بشری در همه سطوح رخ داده تجدید نظری بنیادین در کلیّه جنبه‌های حیات انسانی را طلب می‌کند. کشور ایران البته از این مقتضیات زمان برکنار نیست. ملاحظه فرمایید که با چه عزم جزمی مردم آن سرزمین در بنای جامعه‌ای پیشرفته و سربلند می‌کوشند و در این راه از تحمّل هیچ عذابی دریغ ندارند. موسم نوروز و تازگی طبیعت فرصت مناسبی برای تجدید قوای روحانی و بازنگری امور وجدانی و معنوی فراهم می‌سازد. شایسته است که در این بهار دل‌انگیز که نمادی از بهار روحانی است در مکالمات هدف‌مند خود با همسایگان، دوستان، آشنایان، همکاران و هم‌فکران، در مورد آنچه موجب توانمندی انسان برای کمک به رفاه مادی و معنوی دیگران می‌شود به تبادل افکار پردازید و در چگونگی بنای اجتماعی که در آن استعدادها هر فرد بدون توجه به پیشینه قومی، مذهبی، جنسی و یا طبقاتی شکوفا می‌شود، تأمل فرمایید. به اتفاق درباره هدف واقعی عالم هستی و زندگی دنیوی تفکّر و تعمق نمایید، زیبایی و کارایی جامعه‌ای مبتنی بر اصل وحدت در کثرت را در نظر بگیرید و در مورد شرافت ذاتی انسان که او را قادر می‌سازد تا سعادت خود را در سعادت دیگران ببیند به بحث و گفتگو مشغول شوید. ظالمان را به خداوند واگذارید و این بیان مبارک را به خاطر آورید که می‌فرمایند: "ای ظالمان ارض از ظلم دست خود را کوتاه نمایید که قسم یاد نموده‌ام از ظلم احدی نگذرم." و رای مصائبی که شما را از هر جهت احاطه نموده بنگرید و به بینش شکوهمند این امر اعظم که اصلاح عالم و سعادت امم

ترجمه‌ای از

پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان

رضوان ۲۰۱۱ میلادی (۱۶۸ بدیع)

(از: مرکز جهانی بهائی)

ستاینندگان اسم اعظم در سراسر عالم ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز و محبوب،

۶,۱ در آغاز این ایام خجسته مشاهده درخشش مجدد قبه ذهبی مقام
منیع اعلی، تاج و هاج آن بنای مقدس، دیدگان این مشتاقان را روشن
و منور ساخته است. این بنای رفیع البنیان بار دیگر با آن تلالو ملکوتی
که منظور نظر حضرت ولی محبوب امر الله بود روز و شب بر زمین و دریا
و آسمان می درخشد و بیانگر عظمت و علو مقام نفس مقدسی است که
رمس مطهرش را در آغوش خود ارج می نهد.

این لحظات پرسرور با اختتام مرحله فرخنده‌ای در پیشرفت نقشه
ملکوتی مصادف است. تنها یک دهه به پایان اولین قرن عصر تکوین
باقی مانده است، اولین صده‌ای که در ظل ممدود الواح وصایای مبارکه
حضرت عبدالبهاء سپری خواهد شد. نقشه پنج‌ساله‌ای که اکنون به پایان
رسیده نقشه دیگری را به دنبال دارد که خصوصیات آن موضوع مطالعات
گسترده‌ای در سراسر عالم بهائی بوده است. پاسخ احباً به پیام صادره
خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای و نیز به پیام رضوان دوازده
ماه پیش برآستی موجب رضایت خاطر این جمع است. یاران الهی که به

است ناظر باشید. با تاسی به حیات هیاکل مقدسه امر الله و نیاکان روحانی
خود و بر طبق مثل بارزی که خود در طی سی سال گذشته به جهانیان ارائه
داده‌اید در شداید صبور و بردبار بمانید، به فداکاری‌های الهام‌بخش خود
ادامه دهید و سهم خود را در بنای جهان و ایرانی متحد، آباد و آزاد بیش
از پیش ادا نمایید.

در اعتاب مقدسه علیا به یاد فرد فرد شما عزیزان هستیم.

درک و فهم محدود حاصله از یک بار مطالعه قانع نبوده‌اند این پیام‌ها را بارها فرداً و جمعاً، در جلسات رسمی و گردهم‌آیی‌های خودجوش مرور نموده‌اند و بر اثر مشارکت فعال در برنامه‌های رشد که در محدوده‌های جغرافیایی در دست اجرا است به درک غنی‌تری نائل شده‌اند. بدین ترتیب، ظرف چند ماه جامعه بهائی در سراسر جهان آنچه را برای آغاز موفقیت آمیز دهه آینده نیاز دارد آگاهانه کسب نموده است.

در طی همین مدت، موجی از تحولات سیاسی و پریشانی اقتصادی در قارزات مختلف، دولت‌ها و ملت‌ها را آشفته ساخته و جوامعی را به آستانه انقلاب و در مواردی به ماورای آن سوق داده است. رهبران دریافته‌اند که برای تضمین امنیت نه ثروت کفایت کند و نه تسلیحات مدد رساند. هر جا که خواسته‌های مردم برآورده نشده خشم عمومی شعله‌ور گشته است. عبرت‌انگیز است بیان مهیمن جمال قدم که حکم‌رانان را در رابطه با مردم خود متنبه ساخته می‌فرمایند: "انهم خزائنکم ایاکم ان تحکموا علیهم بما لا حکم به الله و ایاکم ان تسلّموها بأیدی السارقین." ولی هر چقدر اشتیاق مردم برای ایجاد تغییر، جذاب و مسحورکننده باشد باید آگاه بود که قوایی وجود دارد که به خاطر منافع شخصی مسیر وقایع را زیرکانه منحرف می‌سازد. البته مادامی که علاج مفید طبیب الهی نادیده گرفته شود رنج و عذاب این عصر هم‌چنان ادامه یافته عمیق‌تر خواهد شد. امروز هر ناظر دلسوزی بی‌درنگ فروپاشی شتابنده و نامنظم ولی بی‌امان نظم عالم را که شدیداً نارسا و اسفبار است تصدیق می‌نماید.

ولی در مقابل این فروپاشی نیروی سازنده‌ای نیز مشهود است که به فرموده حضرت ولی‌ام‌الله مرتبط با "دیانت نویای حضرت بهاء‌الله" بوده "مبشّر نظمی جهانی و بدیع است که امر بهائی باید آن را نهایتاً تأسیس نماید." اثرات غیر مستقیم این نیروی سازنده را می‌توان در فوران احساسات به خصوص در میان نسل جوان مشاهده نمود، احساساتی

که از اشتیاق به مشارکت در فرایند پیشرفت اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. موهبتی که شامل حال پیروان جمال قدم شده آن است که این اشتیاقی که در سراسر عالم بی‌وقفه از روح انسانی سرچشمه می‌گیرد قادر است در مجهوداتی که جامعه بهائی به منظور ایجاد توان‌مندی جهت اقدام مؤثر در بین مردم متنوع جهان انجام می‌دهد، جلوه‌ای چنین سازنده داشته باشد. کدام موهبتی است که با این برابری نماید؟

برای کسب بصیرت در این کار، شایسته چنان است که هر مؤمن مخلص توجه به حضرت عبدالبهاء نماید، شخصیت عظیم الشانی که امسال صدمین سال "اسفار تاریخی" حضرتش را به کشور مصر و جهان غرب گرامی می‌داریم. آن طلعت نورا به نحوی خستگی‌ناپذیر در هر فضای اجتماعی — در منازل و نوان‌خانه‌ها، در کلیساها و کنائس، در پارک‌ها و میادین عمومی، در قطارها و کشتی‌ها، در باشگاه‌ها و انجمن‌ها و در مدارس و دانشگاه‌ها — به ابلاغ و انتشار تعالیم مبارک اقدام نمود و با قاطعیت کامل ولی با شیوه‌ای بی‌نهایت آرام و متین به دفاع از حقایق پرداخته اصول و مبادی الهیه را بر طبق مقتضیات این عصر تشریح فرمود. آن حضرت بدون ادنی فرق و تمایزی و به مقتضای نیاز افراد، برای همگان — اولیای امور، دانشمندان، کارگران، کودکان، والدین، تبعیدشدگان، فعالان اجتماعی، روحانیون و شکاکین — پیک محبت، سرچشمه حکمت و مایه تسلی و راحت بود. هم‌چنان که قلوب‌شان را به اهتزاز می‌آورد، فرضیات‌شان را زیر سؤال برده به دیدگاه‌شان جهت جدیدی می‌بخشید و آگاهی آنان را وسعت داده قوایشان را در مصالح عالم انسانی متمرکز می‌ساخت. هیکل اطهر قولاً و عملاً، چنان همگان را مورد محبت و شفقت و جود و کرم خود قرار می‌داد که قلوب به کلی تقلیب می‌شد و هیچ‌کس از حضور مبارک محروم بازمی‌گشت. امید و طید این جمع آن است که در طی این دوران بزرگداشت صدمین سال آن اسفار تاریخی، یادآوری مکرر وقایع حیات بی‌نظیر آن هیکل بقا روح

جدیدی به قلوب ستاینندگان صادق حضرتش بخشید. پس مثل اعلای مولای حنون را نصب العین خود سازید و آن را در پی گیری اهداف نقشه راهنمای خویش قرار دهید.

در اعتاب مقدسه علیا به کمال تضرع و ابتهال دعا می کنیم که هر یک از شما حاملان این شعله جاودانی در مساعی خود برای اشتعال بارقه ایمان در قلوب دیگران مشمول تأییدات لاریبیه جمال قدم گردید.

[امضا: بیت العدل اعظم]

در آغاز اولین نقشه جهانی جامعه بهائی، حضرت ولی امرالله با لحنی قاطع مراحل متوالی ظهور انوار الهی را توصیف فرمودند که چگونه در سیاه چال طهران تجلی نمود و سپس در سراج امر الهی در بغداد برافروخت و به کشورهای آسیا و افریقا انتشار یافت و در حالی که با اشراقی اشد در ادرنه و عکا شعله ور بود اشعه آن از فراز دریاها به دیگر قارات عالم رسید و چگونه مآلاً به تدریج در تمامی کشورها و سرزمین های جهان فروزان خواهد گشت. هیکل مبارک قسمت نهایی این فرایند را "نفوذ انوار امر الهی ... در جمیع اقطار باقی مانده کره ارض" توصیف نموده و از آن به عنوان "مرحله ای که در آن تجلیات امر مظفر و منصور الهی در نهایت قدرت و عظمت تمامی کره ارض را اشباع و احاطه خواهد نمود." یاد فرموده اند. هرچند راه درازی تا تحقق این هدف در پیش است ولی هم اکنون این نور در بسیاری از مناطق عالم به شدت تابان گشته است، در بعضی از کشورها در تمام محدوده های جغرافیایی می درخشد، و در سرزمینی که اولین شعله این نار موقده لایطفی طالع شد علی رغم تلاش در فرونشاندن آن هم چنان می درخشد. در سایر ممالک با اشتعال شمع ایمان به ید قدرت الهی در قلوب مستعد افراد یکی بعد از دیگری، این نور قدسی در محله ها و دهکده های ملل گوناگون مستمراً می تابد، مکالمات هدف مند در هر سطحی از تعامل بشری را منور می سازد و بر اقدامات بی شماری در جهت رفاه مردم پرتو می افکند. این است آن نور الهی که چون پرتوی نورانی در مقابل ظلمت، دائماً از وجود هر مؤمن باوفا، هر جامعه پویا و هر محفل روحانی آراسته به حب و ولا ساطع می گردد.

۶۵